

آموزشی ابتداری



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌های آموزشی
دفتر نشر روش آموزشی



ISSN :1606-9102

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست‌ویکم - بهمن‌ماه ۱۳۹۶ - شماره‌ی پی‌درپی ۱۷۰ - ۴۸ صفحه - ۱۱۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir

اهمیت رشد اجتماعی بچه‌ها در دوره‌ی ابتدایی

دختران را درست ببینیم

۱۵

فعالیت‌های آموزشی تلفیقی
بازارچه‌ی خیریه

۱۴

بازی‌های تلفیقی
در تربیت بدنی

تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۱۳۹۶/۱۲/۳۰

یکی از اهداف آموزش و پرورش، که در تعدادی از فصل‌های سند تحول بنیادین به آن اشاره شده، توجه به جنبه‌های اجتماعی شدن دانش‌آموزان است.

با توجه به مصاحبه‌ی آقای دکتر راغفر در صفحه‌ی ۲۰، به نظر شما، در نظام آموزشی فعلی، چگونه می‌توان رفتارهای اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت کرد؟

صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

ایمیل مجله ebtedayi@roshdmag.ir

آموزشی ابتداری

رشد

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه
www.roshdmag.ir فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی بیست و یکم- بهمن ماه ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۱۷۰ - صفحه ۴۸ - ۱۱۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: علیرضا متولی
شورای برنامه ریزی:
دکتر فاطمه رضائی، صغری ملکی،
مهندس صادق صادق پور، محبت الله همتی
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
مشاوران این شماره: دکتر محسن وحدانی- رئیس گروه برنامه ریزی
درس تربیت بدنی دوره ی ابتدایی،
مرضیه کهندل- مدرس دانشگاه فرهنگیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸-۲۱
۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag: پیامنگار: ebtedayi@roshdmag.ir

صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۲۹۰۰۰

سر مقاله- دختران را درست ببینیم / ۲

تقویم ماه - ۴

کت جادویی معلم- اصول واکنش مؤثر/ نوشته چنی مک کی/ ترجمه: حبیب یوسفزاده / ۶

یادداشت- آینده ی پیش رو و راهبر آموزشی / علی اکبر جعفرلو / ۹

برنامه ی درسی- تلفیق/ بازار چهی خیره راه بیندازیم/ سپیده چمن آرا/ ۱۰

تربیت بدنی/ بازی های تلفیقی در تربیت بدنی / طایبه ارشاد/ ۱۴

سلامت- ارگونومی مدارس/ سعید راصد، میر مسیح مسلمی عقیلی، فرشاد ارغوانی/ ۱۶

تجربه ی مادرانه - کی با کی دشمنه! / کبری محمودی/ ۱۸

گفت و گو- رشد اجتماعی بچه ها را در دوره ی ابتدایی جدی بگیریم/ نصرالله دادار/ ۲۰

نوشتار- چپستی و چرایی پوششی کار الکترونیکی/ دکتر نیره شاه محمدی/ ۲۴

کاربرد نرم افزارهای چندرسانه ای در آموزش ابتدایی/ بهارک طالب لو/ ۳۰

اقدام پژوهی- با کودکان خجالتی و کمرو چگونه برخورد کنیم؟/ نگین مقصودی/ ۲۶

راهکار- مدیریت جلسه ی دیدار با والدین/ طیب یمین نژاده، محمدشریف رحیمزاده/ ۲۸

تجربه ی کلاس داری- خانواده ی منفی نگر و تأثیر آن بر افت تحصیلی دانش آموز / مریم عباسی/ ۳۲

گزارش- معلمی که از ساعت عبور می کند / مرضیه کهندل/ ۳۴

معرفی کتاب- سهیلا امامی، اصغر ندیری / ۳۷

خاطره- تجربه- فرزانه محی الدین / ۳۸

نوشتار- داستان- جادوی قصه و فواید آن /

ساناز شجاعی/ ۴۰

مدرسه ی زیبای من- خط، رنگ و معنا

بر دیوار مدارس/ ۴۴

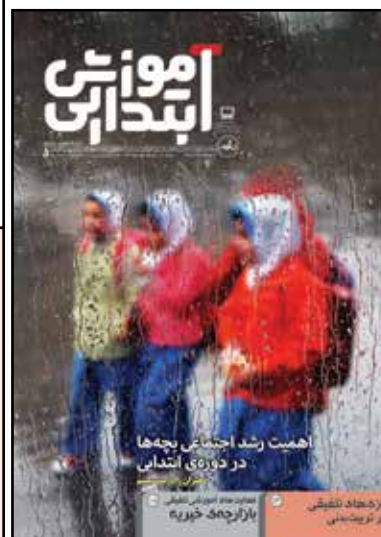
همراهان/ ۴۶



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله يك خط در میان، بر يك روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD یا از طریق پیامنگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.



عکاس: ذبیح اله غلامی

در راستای حمایت از زنان قوانین زیادی به تصویب رسیده‌اند و مراجع محترم تقلید نیز فتواهایی در این باره صادر کرده‌اند، اما هرچند در لفظ و بیان منکر باشیم، هنوز باور جنس دوم بودن زن، حتی در میان خیل کثیری از خود بانوان، وجود دارد. به نظر من، دلیل عمده‌ی این مسئله، باور نداشتن زن در ناخودآگاه جمعی ماست؛ ما، یعنی هم مردان و هم بسیاری از زنان. اگر واقعاً قصد داشته باشیم زنان را به نقشی که خداوند برای آن‌ها تعیین کرده است بازگردانیم، باید ناخودآگاه جمعی ملتی را بکاویم و اصلاحش کنیم. اصلاح این باور سخت نیست و اگر دین‌مدار باشیم و به مخلوقات خداوند، چنانچه هستند و آفریده شده‌اند، احترام بگذاریم، گامی به جلو برداشته‌ایم. مردان وظیفه‌ی خود را دارند و زنان وظیفه‌ی خود را. اما آنچه مورد نظر این

دختران را درست ببینیم

● در دهه‌های گذشته راه‌های زیادی برای ورود بانوان به عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظایر آن باز شده‌اند. اما هنوز راه‌های زیادی هم بسته مانده‌اند. کلید بازگشایی قفل این راه‌های بسته، در بعضی موارد قانون است و در بسیاری از موارد عرف اجتماعی و در اساس «باور اجتماعی». ما باید باور کنیم که زن مخلوقی جدای از مرد نیست، بلکه انسانی است با نقش جنسیتی متفاوت. آنجا که از اشرف مخلوقات صحبت می‌شود، به هر دو جنس اشاره شده است. آنجا که خداوند فرشتگان را به سجده بر مخلوق جدید خود امر می‌کند، منظورش سجده بر مرد نیست، بلکه منظورش نوع انسانی است که آفریده. هر دو جنس هم در برابر خداوند تکالیف یکسان دارند. اما متأسفانه، از سبد مزایای زیستن در جامعه، مردان همیشه سهم بیشتری برمی‌دارند. در سالیان اخیر، بسیاری از روحانیان، روشنفکران و دولتمردان، بسته‌وگریخته، رعایت حقوق زنان را موضوع صحبت‌ها و بیانیه‌های خود کرده‌اند. تقریباً یکی از مهم‌ترین شعارهای تبلیغاتی نامزدهای هر مقامی که نیاز به کسب آرای عمومی دارد، توجه به حقوق و جایگاه زنان در جامعه است.

معلم
خوب محیطی
را ایجاد می‌کند که
دانش‌آموزان در آن
موفق شوند.

برای
موفقیت، اولین
شرط این است که
عاشق کارت شوی.

اندیشه‌ی معلمی

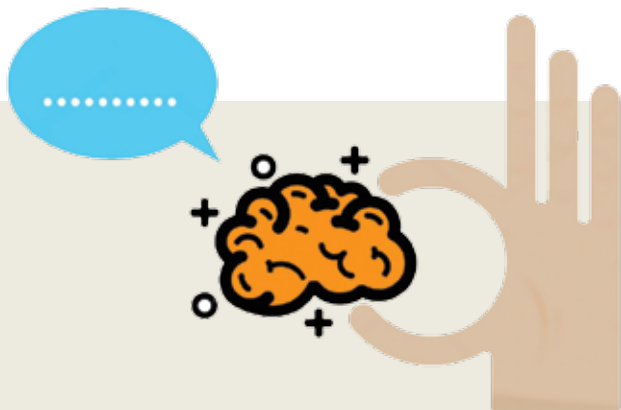
الهام‌فراستی





یادداشت است این است که اصلاح باید از دختران کم سن و سال آغاز شود. هم از لحاظ نگاه جامعه به آن‌ها و هم از لحاظ خود دختران به خودشان. تقریباً نیمی از جمعیت دانش‌آموزی ما را دختران تشکیل می‌دهند. باور کنیم که آن‌ها جنس دوم نیستند و این باور را در ذهن، فکر و دلشان بکاریم. در ابتدا وظیفه‌ی والدین است که از زمان تولد این باور را به دخترانشان منتقل کنند. بعد هم وظیفه‌ی معلم‌های عزیز است که دختران را به نقش خودشان واقف کنند. وظیفه‌ی ماست که دختران را باور کنیم و کمک کنیم آن‌ها خودشان را باور کنند. ■

معلم
خوب می‌داند
چگونه استعدادهای
دانش‌آموزان را
پیدا کند.



معلمان
خوب الهام
می‌بخشند. معلمان برتر
چگونه الهام بخشیدن
به خود را در همه‌ی
لحظات زندگی نشان
می‌دهند.

معلم
خوب بعضی
اوقات یک متخلف
را به یک شهروند
قانونمند تبدیل
می‌کند.



۱۴ بهمن ماه

روز ملی فناوری فضایی روزی است که ایران با پرتاب موفقیت آمیز ماهواره در ۱۴ بهمن ۱۳۸۷ به کشورهای دارای توانایی پرتاب ماهواره پیوست.

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ دانستن مفهوم فناوری فضایی.
- ۲ شناخت این روز به نام روز بزرگداشت

۱۲ بهمن ماه

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ سیدروح الله خمینی (ره) پس از ۱۴ سال تبعید به ایران بازگشت. ورود ایشان به ایران آغاز دهه ی فجر است.

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ آشنایی با زندگی امام خمینی (ره).
- ۲ آگاهی از چگونگی بیرون رانده شدن شاه توسط مردم ایران.
- ۳ آگاهی از چگونگی به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷.
- ۴ شناخت مفهوم دهه ی فجر از ورود امام به ایران تا به پیروزی رسیدن انقلاب به رهبری امام خمینی (ره).
- ۵ آگاهی از علت تبعید امام خمینی (ره) به خارج از کشور.
- ۶ آگاهی از زندگی شاه و کارهای پنهان ساله ی رژیم پهلوی.
- ۷ نقش رهبری ایشان در پیروزی انقلاب اسلامی.



در صفحه ی تقویم ماه تلاش می کنیم بعضی از مناسبت ها را زیر ذره بین ببریم تا ببینیم کدام موقعیت یادگیری یا آموزشی را می توانیم از آن استخراج کنیم. گرامیداشت مناسبت ها می تواند هویت شخصی، ملی و دینی دانش آموزان را شکل بدهد و آن ها را در جریان چگونگی بعضی شغل ها و مناسبت ها قرار بدهد. آموزگاران عزیز می توانند با رجوع به نشریات رشد دانش آموزی و جلب توجه دانش آموزان به صفحه ی تقویم، موقعیت یادگیری بیشتری برای آن ها فراهم کنند. از خوانندگان گرامی درخواست داریم برای پربار شدن این صفحه تجربه ها و پیشنهادهای خود را در قالب ارائه شده در این صفحه برای ما ارسال کنند تا به نام خودشان چاپ شود. ■



۳ بهمن ماه

ولادت حضرت زینب (س) - روز پرستار

پنجم جمادی الاول: روز ولادت بانوی قهرمان کربلاست. حضرت زینب (س) پرستاری بیماران و مصیبت زدگان اهل بیت را به عهده داشتند. به همین مناسبت، این روز، روز پرستار نام گرفته است.

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ تجلیل از مقام و شخصیت والای حضرت زینب (س) که باعث الگوسازی در جامعه می شود.
- ۲ آشنایی بیشتر با زندگی و مقام والای حضرت زینب (س).
- ۳ حرفه ی پرستاری در جامعه یک شغل معنوی محسوب می شود.
- ۴ الگو بودن حضرت زینب (س) در میان پرستاران و تقدیر و تشکر از زحمات پرستاران در جامعه.
- ۵ درک این مسئله که پرستاری وظیفه ای سنگین و ارزشمند است.
- ۶ بیان صبر و شکیبایی پرستاران و تحمل ناملایمات از طرف آنان.

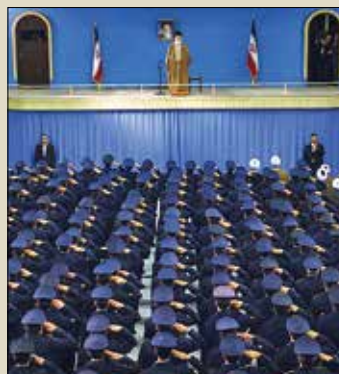
۱۹ بهمن ماه

روز نیروی هوایی

در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ نیروهای فداکار و متعهد نیروی هوایی به ملت ایران پیوستند و حماسه ای دیگر آفریدند.

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ شناخت علت نام گذاری روز ۱۹ بهمن به عنوان روز نیروی هوایی.
- ۲ آگاهی از چگونگی کار نیروی هوایی
- به عنوان یکی از قوای سه گانه ی ارتش.
- ۳ آگاهی از اینکه نیروی هوایی یکی از نیروهای ارتش بود که زودتر از بقیه ی نیروها به صف انقلابی ها پیوست.





مجله‌ی رشد کودک
شماره ۵ - سال تحصیلی ۹۶-۹۷

قیام مردم تبریز

۲۹ بهمن

۲۹ بهمن ۱۳۵۶ با چهل‌م فاجعه‌ی ۱۹ دی در قم مصادف بود. مردم در اعتراض به چاپ مقاله‌ای اهانت‌آمیز در روزنامه‌ی اطلاعات قیام کردند.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

۱ شناخت روز ۲۹ بهمن به‌عنوان روز قیام مردم تبریز.

۲ دانستن اینکه اعتراض مردم قم منجر به قیام ۱۹ دی ماه و شهادت چند تن از قیام‌کنندگان شد و اربعین آن در تبریز حماسه آفرید.

۳ شناخت اینکه شهر تبریز در اربعین شهادی قم به‌صورت شهری جنگ‌زده در آمد و در آن حکومت نظامی اعلام شد.



روز فناوری فضایی

فناوری فضایی که در تاریخ کشور ثبت شده است.

۳ شناخت فناوری فضایی که مجموعه‌ای از دانش‌ها و فناوری‌هایی است که کمک می‌کند فضای اطراف کره‌ی زمین، اجرام آسمانی و... را بهتر بشناسد.

۴ آگاهی از اینکه ایران با ساخت بیش از ۱۰ ماهواره در ردیف کشورهای صاحب فناوری فضایی است.

۵ شناخت پایگاه‌های فضایی ایران در شهرهای گوناگون مثل شاهرود، قم و ماهدشت.

پیروزی انقلاب اسلامی

۲۲ بهمن‌ماه



در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی نشست.

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

۱ آگاهی از چگونگی به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷.

۲ درک اتحاد و همبستگی ملت ایران به‌عنوان یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی.

۳ پیروزی مردم در روز ۲۲ بهمن و تسلط بر مراکز دولتی و نظامی، انتظامی، رادیو و تلویزیون.

۴ دانستن جریان اعلام بی‌طرفی ارتش در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷.

۵ آشنایی با مفاهیمی مثل پلیدی، سیاهی، تباهی، نور، روشنایی و پیروزی.

۶ آگاهی از اینکه پیروزی انقلاب اسلامی معجزه‌ای الهی بود.

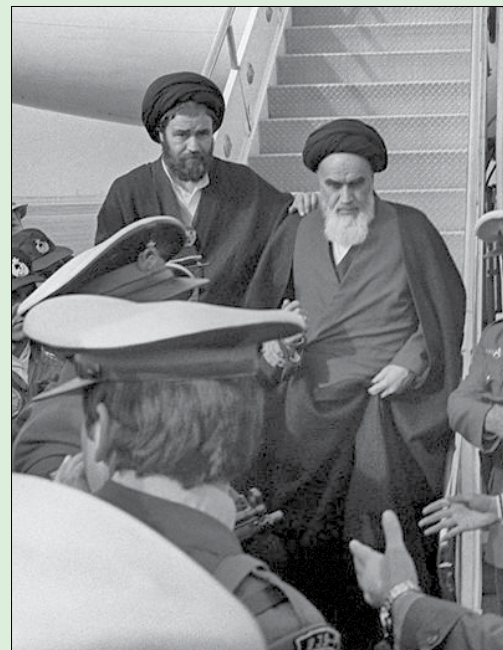
۷ آشنایی با مفهوم مستضعف و مستکبر.

۸ آگاهی از اینکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل پیروزی قیام مردم، خداوند است.

۹ شناخت دستاوردهای انقلاب اسلامی.

۱۰ آگاهی از اینکه ۲۲ بهمن یادآور حماسه پرشکوه و کم‌نظیر ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) است.

بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، دهه‌ی فجر





اصول واکنش مؤثر

خودتان را مدیریت کنید و آگاه باشید که شما یک متخصص ارزشمند هستید

تدریس یک شغل طاقت‌فرسا است که در آن همواره باید از خودتان برای دیگران مایه بگذارید. مدیریت دانش آموزان ایجاب می‌کند همواره گوش به زنگ باشید و حداقل یک گام جلوتر از آنان باشید. معلمان تازه‌کار و حتی پیش‌کسوت‌ها باید مراقب باشند فرسوده و شکسته نشوند. معلمان جوانی را دیده‌ام که اشتیاق و علاقه‌شان به خوب و بی‌نقص بودن، جسم و روحشان را فرسوده کرده است؛ طوری که دیگر قادر به اداره‌ی مؤثر کلاس نیستند. نگذارید این اتفاق برایتان بیفتد. نسبت به صرف توان خودتان محتاط باشید و بخشی از وقت خود را به برنامه‌ی درسی پنهان اختصاص دهید. شما در قبال سلامتی خودتان مسئول هستید و این اولویت اول شماست.

پاسخ‌های عملی شما نه تنها بر رفتارهای آتی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، بلکه بر روابط کلاسی و بازدهی تدریس شما اثرگذار خواهد بود.

این همان تربیت پنهان است و بسیار بیشتر از امر و نهی لفظی بر دانش‌آموزان تأثیر دارد. وقتی نسبت به رفتارهای کلاسی واکنش حساب‌شده‌ای از خود نشان می‌دهید، در واقع یکی از مهارت‌های اساسی زندگی را به آن‌ها می‌آموزید. این جور واکنش‌ها ارزش توانمندی عاطفی و اجتماعی را به آنان القا می‌کند. بچه‌ها بعد از چند سال ممکن است درس‌های شما را فراموش کنند، اما نحوه‌ی تدریس و احساسی را که در آنان برانگیخته‌اید هرگز از یاد نخواهند برد.

مدیریت طرز برخورد

موقع مواجهه با رفتارها یادتان باشد: هیچ پاسخ غلط یا درستی در قبال آن‌ها وجود ندارد، بلکه برخی

کنار آمدن با رفتارهای نادرست دانش‌آموزان به هیچ‌وجه ساده نیست و گاهی چالش‌برانگیز و حتی خصمانه و تهدیدآمیز می‌شود، اما واکنش عاطفی و غریزی به بدرفتاری‌ها فایده‌ای ندارد. ممکن است ناگهان به خودتان بیایید و ببینید بازیچه‌ی دست بچه‌ها شده‌اید.

با این حال، همیشه آماده باشید که در واکنش به رفتار دانش‌آموزان برانگیخته شوید. این امر کاملاً طبیعی است. واکنش‌های عاطفی در قبال رفتار بد، کاملاً عادی است، اما اگر این واکنش عنان‌گسیخته و شدید باشد، رفع آن بدرفتاری را غیرممکن خواهد کرد. با مدیریت عواطف خود می‌توانید از عهده‌ی بدرفتاری‌ها برآیید و پاسخی متناسب با آن را از جیب‌های کِت جادویی خود بیرون بکشید. هنگام مدیریت عواطف خود، مهم نیست چه احساسی دارید، مهم این است چه کاری می‌کنید.

معلمان به ندرت بین محیط کار و منزل تفکیک قائل می‌شوند و معمولاً کارهایی مثل آماده کردن طرح درس، تصحیح اوراق امتحانی و غیره را در خانه هم انجام می‌دهند. اما باید مراقب باشید، از عصرهای بدون کار و استراحت پایان هفته نیز غفلت نکنید. فراموش نکنید که اگر بعد از یک هفته‌ی کاری، تجدید قوا کنید و سرزنده به کلاس برگردید، معلم بهتری خواهید بود.

احساسات خود را مدیریت کنید و از نظر عاطفی آماده باشید

رفتار شما بازتاب افکار و احساسات شماست. واکنش شما به رفتار دانش‌آموزان، در واقع نشانگر وضعیت روحی شماست.

دانش‌آموزان خواه‌ناخواه همواره احساساتی را در معلمان برمی‌انگیزند. به عنوان افرادی حرفه‌ای، کار ما این است که این شرایط را مدیریت کنیم.



به عبور از حریم‌ها دارند. با این حال، وقتی حدود مرز مبهم باشد، احساس تشویش و نگرانی می‌کنند. اگر بتوانید این محدودیت‌ها را به نرمی اعمال کنید، احساس رضایت و امنیت بیشتری خواهند کرد. محدودیت‌هایی که بیش از حد سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه باشد، می‌تواند زمینه‌ی سوء رفتار را فراهم کند. چنین محدودیت‌هایی گاه به آسیب‌های جبران‌ناپذیری منتهی می‌شود.

مدیریت رفتارهایی که قواعد و حریم‌ها را به چالش می‌کشند
دانش‌آموزان برای اینکه فردیت خود را محک بزنند، گاهی با دیگران و با آداب و اصول اجتماعی درمی‌افتند و معلمان در خط مقدم این چالش قرار دارند. آن‌ها با تنه زدن رفتاری به اطرافیان و به‌ویژه افراد متشخص، درباره‌ی خود و جایگاه اجتماعی‌شان می‌آموزند.

مثال:

۱ یک دانش‌آموز پسر ممکن

با خودتان مهربان باشید. اشتباهات بهانه‌ی یادگیری‌اند. با نهادینه کردن و تبیین این موضوع، خواهید توانست تجربه‌ی یادگیری ارزشمندی برای دانش‌آموزان خود فراهم کنید. دانش‌آموزان را درک کنید. هر قدر هم که بخواهید، باید بپذیرید هرگز قادر نخواهید بود رفتار آن‌ها را به‌طور صددرصد مدیریت کنید.

قواعد و حریم‌ها را ایجاد و حفظ کنید

همه‌ی معلمان سخت کار می‌کنند. دانش‌آموزان دائم مطالبه می‌کنند و معلمان باید پیوسته پاسخ‌گو باشند. اما برخی معلمان خیلی سخت کار می‌کنند. آن‌ها وقت و انرژی زیادی را صرف کشمکش‌هایی می‌کنند که قابل اجتناب هستند. کاملاً طبیعی است که دانش‌آموزان در هر سنی تمایل دارند حریم‌ها را بشکنند. اطلاع از این موضوع شما را قادر می‌سازد پاسخی برگزینید که نتایج مثبتی داشته باشد. به‌ویژه نوجوانان، با توجه به سن بلوغ و رشد فردیت در آن‌ها، تمایل بیشتری

روش‌های مدیریت رفتار مؤثرتر از برخی دیگرند. هر دانش‌آموز شرایط و ویژگی‌های خاصی دارد و روشی که در یک مورد مؤثر است، ممکن است در مورد دیگر مؤثر نباشد.

مهم نیست چقدر مهیا هستید، هر آن ممکن است اتفاق‌های غیرمنتظره‌ای رخ دهد. از این فرصت‌ها برای افزودن یک جیب جدید به کُت جادویی خود استفاده کنید تا دفعه‌ی بعد به کارتان بیاید. یادتان باشد، تشویق و نه توبیخ، موجب خواهد شد شما و دانش‌آموزتان دفعه‌ی بعد عملکرد بهتری داشته باشید.

بدانید که هرگز از پس تمام رفتارهای بد برنخواهید آمد، اما وقتی نرمی و انصاف و احترام را چاشنی کار خود کنید، درصد موفقیتتان به‌مراتب افزایش خواهد یافت. با تمام مهارتی که دارید، گاهی ممکن است دچار مشکل شوید. چاره‌ی کار این است که به عقب برگردید و اشتباه خود را تصحیح کنید. این کار می‌تواند برای دانش‌آموز شما یک تجربه‌ی غنی یادگیری باشد.

نمونه‌ی واکنش‌ها

❶ در مورد متلک‌گویی دانش‌آموز، کمی شوخ‌طبعی می‌تواند مؤثر باشد: خیال‌پردازی‌ات هم بدک نیست! یا خیلی ساده می‌توان گفت: نه، اما از تعارف ممنونم.

در هر دو حالت، نوعی قدردانی از تعارف وجود دارد، اما در عین حال به دانش‌آموز گوشزد می‌کند در رابطه‌ی معلم-دانش‌آموز پایش را از گلیمش درازتر نکند.

❷ معلم می‌تواند دانش‌آموز را تحسین کند و به او بگوید: شاید من اشتباه کرده باشم. می‌خواهی یک بار با هم بررسی کنیم؟ و اگر معلم واقعاً اشتباه کرده باشد، می‌تواند بگوید: از دقت نظرت ممنونم. این کار می‌تواند جلوی تنش را بگیرد و احترام متقابل و روابط مثبت را تقویت کند.

❸ در مورد دانش‌آموز خردسالی که از دستور سرپیچی می‌کند، معلم می‌تواند با گفتن: البته که نمی‌توانم مجبورت کنم، بادش را بخواباند و با دادن یک پیشنهاد-و ایجاد حس حق انتخاب- کار را دنبال کند. خلاصه اینکه، با مدیریت نرم و محترمانه‌ی رفتارهای حریمشکن می‌توان از آن‌ها فرصتی برای ایجاد ارتباط مؤثر و رشد آگاهی کودکان از خودشان فراهم کرد.

به‌راستی، واکنش معلم در قبال رفتارهای فوق چگونه باید باشد؟

یادتان باشد

مدیریت رفتارهای بد نیازمند طراحی، پشتکار و نگرش مثبت است؛ یعنی مهارت دست گذاشتن فی‌البداهه بر جنبه‌های مثبت دانش‌آموزان. گاهی ممکن است لازم باشد در مواجهه با رفتار بد، با سایر همکاران، به‌ویژه مدیر و مشاور مدرسه مشورت کنید.

اولیای مدرسه ممکن است راهکارهای مناسبی برای برخورد با برخی رفتارهای بد داشته باشند. مطمئن باشید با این کار توانایی شما در اداره‌ی کلاس زیر سؤال نخواهد رفت.

بلکه با بهره‌گیری از خرد جمعی همکاران خواهید توانست راحت‌تر از پس مشکلات برآیید و معلم بهتری باشید.

از فرایند یادگیری آن‌ها درباره‌ی خودشان است، قادر خواهید بود با کمترین آسیب، به آن‌ها یاد دهید که رفتارشان را اصلاح کنند.

است به خانم معلم خود بگوید: امروز خیلی شیک شدید، از پوتین‌های شما خوشم می‌آید، او در واقع در حال محک زدن آداب و روابط اجتماعی است.

❷ ممکن است یک دانش‌آموز زرنک به معلم جوان بگوید: من آن تمرین را انجام نمی‌دهم، به نظرم مسئله را اشتباه طرح کرده‌اید!

در این موقع، او مشغول تقابل سواد خود با سواد معلم است و به اصطلاح می‌خواهد با او کل‌کل کند.

❸ ممکن است دانش‌آموز خردسال از دستور معلمش سرپیچی کند و بگوید: شما نمی‌توانی مرا به این کار مجبور کنی، اگر مرا تنبیه کنی، به پدرم می‌گویم حسابت را برسد...

این دانش‌آموز در حال زورآزمایی است. این نوع رفتارها ممکن است موجب رنجش و عصبانیت شما شود، اما اگر بدانید که این کار بخشی



آینده‌ی پیش رو و راهبر آموزشی

صحیح آموزش‌های کلاسی و برنامه‌های آموزشی پیردازند و تغییرات و تعدیلات لازم را به گونه‌ای در برنامه‌های آموزشی اعمال نمایند که بتوانند پاسخگوی شرایط در حال تغییر جامعه باشند. راهبران باید به شیوه‌های متفاوت فکر کنند، خواستار سازندگی بیشتر باشند و از این رو باید توانایی رهبری داشته باشند. آن‌ها باید به دنبال بصیرت، تعهد، اخلاق و روحیه‌ی شجاعت باشند. هدف بیشتر مدارس انتقال دانش و اطلاعات است و نه خلق یا تولید آن. مدراسی که در تدریس اثربخش هستند، ممکن است در یادگیری و یاددهی اثربخش نباشند، درحالی که در آینده به جای تدریس برتر تأکید بر یادگیری بهتر است. نقش راهبران آموزشی در سازمان‌های یادگیرنده به عنوان افرادی تعریف می‌شود که به سایرین کمک می‌نمایند تا افکارشان را مجدداً سازمان‌دهی کنند و عمقی‌تر به مسائل بنگرند. علت‌های اساسی را در موقعیت‌های پیش آمده کشف کنند. ایجاد و خلق فضاهای یادگیری مستلزم آن است که مدارس به شیوه‌ای تجدید ساختار کنند که یادگیری‌ها برای همه‌ی دانش‌آموزان رشد و توسعه یابد و بر قابلیت‌های معلمان به گونه‌ای تأکید شود که همه‌ی امکانات جدید را مد نظر قرار دهد. ■

بوده است. در دهه‌های آینده، احتمالاً ناظران آموزشی باید افرادی چند استعدادی باشند. آن‌ها باید بتوانند با معلمان در جهت سازگار ساختن آن‌ها با شرایطی که به سرعت در حال تغییر و تحول است فعالیت کنند. آن‌ها باید بتوانند نو معلمان را هدایت کنند، روش‌های آموزشی جدید را بیابند. بر اساس آگاهی از رشد همه‌جانبه‌ی مدرسه، با تشریک مساعی به منظور پرورش و رشد مستمر حرفه‌ای معلمان تلاش کنند. بنابراین راهبران آموزشی باید توانایی طراحی و ارائه‌ی آموزش‌های اثربخش را داشته باشند.

سازمان‌های موفق در قرن آینده به عنوان سازمان‌های یادگیری شناخته خواهند شد که توانایی سازگاری با شرایط شدیداً در حال تغییر و تحول را خواهند داشت. بنابراین از راهبران آموزشی یا ناظران تعلیماتی انتظار می‌رود که به ارزیابی

طرح راهنمایان تعلیماتی یا به عبارت امروزی‌تر، راهبران آموزشی با وجود مزایایی که داشته، هنوز آن طور که باید و شاید موجب بهبود کیفیت تعلیم و تربیت و اصلاح فرایند یاددهی-یادگیری نشده است. همچنین در رشد حرفه‌ای معلمان، آن‌طور که شایسته است، مؤثر واقع نشده. با توجه به اینکه مهم‌ترین نقش ناظران تعلیماتی کمک به رشد آموزشی-حرفه‌ای و تخصصی معلمان است، اما بیشترین فعالیت آن‌ها در حضور و غیاب کارکنان مدرسه صورت می‌گیرد. به عبارتی نقش بازرسی آنان بر نقش هدایتی و راهنمای آموزشی غالب است. در سند تحول بنیادین به‌طور صریح به روش‌ها و برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی پرداخته نشده است؛ ولی با استخراج چهار مؤلفه که ارتباط با نظارت و راهبری دارند و تحلیل آن‌ها اهمیت و جایگاه نظارت و

راهبری آموزشی از نظر تحقق و اجرای عدالت آموزشی برای همه‌ی مردم در مناطق شهری، روستایی، عشایری مشخص می‌شود. همچنین در این سند رشد حرفه‌ای معلمان و کیفیت بخشی به محتوای آموزشی مورد توجه واقع شده است. با توجه به اهمیت موضوع نظارت و راهنمایی در آموزش و پرورش و در اسناد بالادستی، این مقوله همیشه مورد بحث و کنکاش





بازارچه‌ی خیریه راه‌بیندازیم

انسان موجودی پیچیده است و به همین دلیل ماهیت فعالیت‌هایش هم دارای پیچیدگی است. فعالیت زندگی روزمره‌ی او هم با ترکیبی از مهارت‌ها و دانش‌های مختلف اتفاق می‌افتد. یکی از دلایل توجه به موضوع تلفیق در یاددهی-یادگیری همین موضوع است. از سوی دیگر یکی از اهداف آموزش و پرورش این است که دانش‌آموزانی که از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند، برای زندگی آمادگی کافی داشته باشند. دکتر محمود مهرمحمدی در تعریف تلفیق ابراز می‌کند: «تلفیق به معنای کوشش برای ایجاد ارتباط، اتصال و در نهایت یکپارچگی در تجربیات یادگیری دانش‌آموزان است. از زاویه‌ی دیگر می‌توان رویکرد تلفیقی در طراحی برنامه‌ی درسی را به معنای فاصله گرفتن از الگوی سنتی برنامه درسی دانست که با اتکا و ابتدا به حوزه‌های یادگیری مستقل (مواد درسی)، موجب پراکندگی و تفرق در تجربیات یادگیری دانش‌آموزان می‌شود» (دانشنامه‌ی ایرانی برنامه‌ی درسی، ۱۳۹۱). در مطلب پیش رو یک فعالیت آموزشی را که با هدف تلفیق چند درس و مهارت نوشته شده است به شما معرفی می‌کنیم. برای این منظور، پس از معرفی کلی فعالیت، نخست درس‌هایی را که با هم تلفیق شده‌اند تعیین و اهداف مربوط به موضوعات مورد نظر از آن درس‌ها را مرور می‌کنیم. روش اجرای فعالیت و آنچه باید در اجرا به آن توجه داشت، در ادامه‌ی مطلب می‌آید.

معرفی فعالیت: بازارچه‌ی خیریه‌ی مدرسه

موضوع کلی فعالیت

تصمیم‌گیری و توافق برای ساخت کاردستی با استفاده از شکل‌های هندسی و ابزارهای اندازه‌گیری توسط دانش‌آموزان، طراحی کاردستی، خرید وسایل لازم برای کاردستی، درست کردن آن‌ها در گروه، و فروش آن‌ها در بازارچه‌ی خیریه‌ای در مدرسه؛

زمان اجرا: ماه بهمن و به مناسبت ایام دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی؛

زمان لازم: یک جلسه‌ی ۷۰ دقیقه‌ای؛

روش اجرا: گروهی؛ گروه‌های سه نفری؛

پایه‌های تحصیلی مرتبط: چهارم تا ششم ابتدایی؛

یکی از شیوه‌های اداره‌ی کلاس‌های چندپایه استفاده از فعالیت‌های تلفیقی است تا در آن‌ها علاوه بر ایجاد ارتباط بین درس‌ها با هم، بین مهارت‌هایی که در مدرسه آموزش داده می‌شوند و زندگی واقعی نیز ارتباط و اتصال برقرار شود. تعامل گروه‌های سنی متفاوت، تقسیم کار منصفانه و یادگیری از گروه‌های سنی هم سال و غیرهم سال نیز در چنین فعالیت‌هایی به وقوع می‌پیوندد.

تعیین اهداف کلی و جزئی در کار تلفیقی اهمیت بسیار دارد، زیرا به ما کمک می‌کند طراحی بهتری از فعالیت تلفیقی مناسب انجام دهیم. همچنین، هنگام اجرای فعالیت، کاملاً توجهمان به اهداف مورد نظر باشد و نیز بتوانیم از آن برای ارزیابی کیفی مهارت‌ها و دانش مورد نظر استفاده کنیم.

درس‌های مرتبط با فعالیت «بازارچه خیریه»:

ریاضیات؛ مطالعات اجتماعی؛ هنر؛ کار و فناوری ششم؛ تفکر و پژوهش ششم؛ مهارت‌های زندگی.

شاید مفاهیمی مانند همدلی، مشارکت، تصمیم‌گیری و مانند آن‌ها، با خواندن کتاب درسی یا توصیفات معلم درک نمی‌شوند. دانش‌آموزان باید در عمل با این مفاهیم آشنا شوند تا بعدها بتوانند از آن‌ها در زندگی خود بهره ببرند. اجرای فعالیت‌های آموزشی تلفیقی بستر مناسبی برای آموزش معنادار این مفاهیم و مهارت‌ها است.



ابزارهای لازم

- ابزارهایی مانند قیچی، انواع چسب، خط‌کش‌های کوتاه و بلند، شابلون شکل‌های هندسی، پرگار، گونیا و نقاله؛
- لوازم کاردستی مانند مقواهای رنگی، کاغذهای رنگی، پولک و لوازم مشابه، مهره‌های رنگی، مداد رنگی، مداد شمعی، آبرنگ و مانند آن‌ها؛
- برگه‌ی گزارش شرح روند کار.

در این فعالیت، دانش‌آموزان از دانسته‌های پیشین خود در ارتباط با هم استفاده می‌کنند تا مفاهیم را عمیق‌تر درک کنند. همچنین، در عمل با مهارت‌های اجتماعی آشنا می‌شوند، آن‌ها را می‌بینند، می‌آموزند و تمرین می‌کنند.



جدول‌های اهداف درس‌های تلفیق شده در فعالیت «بازار چمی خیریه»

اهداف کلی: چهارم ابتدایی			
صفحه‌های ۴ تا ۱۶، ۷ تا ۱۹	درک اعداد تا ده رقم، کسب مهارت در خواندن و بازنمایی اعداد تا ده رقم، کسب مهارت در بیان مصداق‌ها و به کار گیری اعداد تا ده رقم در زندگی روزمره	عدد	ریاضی
صفحه‌های ۱۱ و ۱۹ و ۱۲ تا ۱۵ و ۴۸ تا ۵۵ و ۶۰ تا ۷۱	کسب مهارت در جمع و تفریق اعداد تا ده رقم، کسب مهارت در کاربرد جمع و تفریق در زندگی روزمره، کسب مهارت در انجام ضرب اعداد تا چهار رقم، درک مفهوم تقسیم، کسب مهارت در انجام تقسیم اعداد (حداکثر چهاررقمی) بر دو رقمی و سه رقمی.	عملیات روی اعداد	
صفحه‌های ۱۲۲-۱۲۹ و ۸۲ تا ۸۵ و ۹۰ تا ۹۳ و ۱۲۶ تا ۱۳۷	درک مفهوم دو خط عمود، درک مفهوم دو خط موازی، کسب مهارت در رسم دو خط عمود برهم، درک مفهوم واحد اندازه‌گیری زاویه و کسب مهارت در استفاده از نقاله، کسب مهارت در اندازه گیری طول به کمک واحد/ ابزار، محاسبه‌ی محیط، محاسبه‌ی مساحت	هندسه و اندازه‌گیری	
پرورش ایده با به کار گیری قوه‌ی تخیل و خلاقیت، بیان ایده در قالب آثار گوناگون		آفرینش هنری	هنر
درس ۳	کسب مهارت در برنامه‌ریزی و خرید	منابع و فعالیت‌های اقتصادی	مطالعات اجتماعی
مسئولیت‌پذیری، مشارکت در کار گروهی، توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی			شایستگی‌های عمومی

اهداف کلی: پنجم ابتدایی			
صفحه‌های ۲ تا ۹	درک اعداد تا سیزده رقم، کسب مهارت در خواندن و بازنمایی اعداد تا سیزده رقم، کسب مهارت در بیان مصداق‌ها و به کار گیری اعداد تا سیزده رقم در زندگی روزمره	عدد	ریاضی
صفحه‌های ۴۸ تا ۵۹	درک مفهوم نسبت و تناسب، کسب مهارت در کاربرد نسبت و تناسب در زندگی روزمره	نسبت و تناسب	
صفحه‌های ۶۰ تا ۶۳	درک مفهوم درصد، کسب مهارت در کاربرد درصد در زندگی روزمره	درصد	
صفحه‌های ۱۳۰ تا ۱۳۲	درک مفهوم میانگین، کسب مهارت در محاسبه‌ی میانگین	آمار	
پرورش ایده با به کار گیری قوه‌ی تخیل و خلاقیت، بیان ایده در قالب آثار گوناگون		آفرینش هنری	هنر
درس‌های ۱ و ۲ و ۳	ذکر و رعایت نکات لازم در برقراری ارتباط با دیگران و ارزیابی گفته‌های دیگر هم‌کلاسان، بیان احساسات خود، بیان راه‌های مناسب همدلی با دیگران، شناسایی برخی تکالیف و مسئولیت‌ها نسبت به خود و دیگران و رعایت آن‌ها، رعایت نکات مربوط به کار گروهی	شناخت و رعایت اصول برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و تعامل مناسب در گروه	مطالعات اجتماعی
مسئولیت‌پذیری، مشارکت در کار گروهی، توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی			شایستگی‌های عمومی

اهداف کلی: ششم ابتدایی			
------------------------	--	--	--



صفحه‌های ۷ تا ۱۰ و ۱۱ تا ۱۵	درک مفهوم عدد، کسب مهارت تقریب زدن، درک مفهوم بخش پذیری	عدد و عملیات روی آن	ریاضی
صفحه‌های ۱۱۰ تا ۱۲۷	درک مفاهیم نسبت و تناسب و درصد، کسب مهارت در استفاده از نسبت و تناسب و درصد در زندگی روزمره	نسبت، تناسب و درصد	
صفحه‌های ۶۳ تا ۷۳ و ۸۸ تا ۹۴ و ۹۸ تا ۱۰۸	مرکز تقارن، محور تقارن، دوران، طول، سطح، زاویه (درک مفاهیم، توانایی انجام عملی، توانایی اندازه‌گیری و محاسبه، تبدیل واحدها)	هندسه و اندازه‌گیری	
صفحه‌های ۱۳۲ تا ۱۴۱	درک مفهوم و توانایی به کارگیری تقریب در انجام محاسبات	محاسبات تقریبی	
پرورش ایده با به کارگیری قوهی تخیل و خلاقیت، بیان ایده در قالب آثار گوناگون		آفرینش هنری	هنر
درس‌های ۳ و ۴	کسب مهارت در تصمیم‌گیری	نظام اجتماعی	مطالعات اجتماعی
درس‌های ۶ و ۸ و ۱۶ و ۱۸	آشنایی با نحوه‌ی تولید و مصرف کالا (و توانایی توضیح درباره‌ی نحوه‌ی انتخاب و خرید عاقلانه‌ی کالا)	منابع و فعالیت‌های اقتصادی	
فرایند اجرای پروژه، ایمنی و بهداشت		طراحی و ساخت پروژه‌ها	کار و فناوری
کسب مهارت انتخاب و تصمیم‌گیری		انتخاب و تصمیم‌گیری	تفکر و پژوهش
مسئولیت‌پذیری، مشارکت در کار گروهی، توجه به ارزش‌های ملی و مذهبی			شایستگی‌های عمومی

شرح مراحل اجرای فعالیت

- دانش‌آموزان را براساس معیارهایی که خودتان تشخیص می‌دهید برای این فعالیت مناسب است، به گروه‌های سه نفری تقسیم کنید (به عنوان مثال، با توجه به اینکه در این فعالیت دانش‌آموزان باید کاردستی هنری بسازند، خوب است گروه‌بندی براساس دوستی‌ها یا علاقه‌های مشترک یا درخواست خود دانش‌آموزان انجام شود). سپس دانش‌آموزان هم گروه با هم در یک میز یا دور یک میز بنشینند (بسته به چینش کلاس و نوع میز و صندلی‌های کلاستان). یک گروه سه نفری نیز مسئول فروش در فروشگاه می‌شوند که در آن لوازم کاردستی به فروش می‌رسد. این گروه را به تشخیص خودتان یا به صورت داوطلبانه انتخاب کنید.
 - برای دانش‌آموزان درباره‌ی فعالیتی که قرار است انجام بدهند توضیحاتی کلی بدهید تا بدانند قرار است با هم چه مرحله‌ی را طی کنند و در نهایت به چه هدفی برسند. وظایف مسئولان فروشگاه و انتظاراتی را که از آن‌ها دارید نیز برایشان تشریح کنید.
 - نخست دانش‌آموزان هر گروه ضمن مشورت با هم تصمیم می‌گیرند چه کاردستی‌ای درست کنند. طرح کلی آن را نیز مشخص می‌کنند. آن‌ها وسایل لازم برای ساخت کاردستی مورد نظرشان و مقدار (یا تعداد) وسایل را، باز هم با مشورت با هم، تعیین می‌کنند و روی برگه‌ی گزارش گروه خود می‌نویسند.
- ۴ یک یا همه‌ی اعضای گروه برای خرید لوازم مورد نیاز، براساس فهرست خرید تهیه شده، به بخش فروشگاه کلاس می‌روند و با پول‌های گروه خودشان خرید می‌کنند و فاکتور می‌گیرند. در این فاکتور اقلام خرید و بهای واحد آن جنس و بهای کل هر جنس و بالاخره مجموع بهای اجناس خریداری شده آمده است. پس از آن باید مبلغ خریداری شده به تساوی بین سه نفر گروه تقسیم شود و هر کس سهم خود را از این خرید بپردازد.
- ۵ دانش‌آموزان در زمان باقی‌مانده کاردستی‌ها را با همکاری هم و براساس تقسیم مسئولیت بین خود درست می‌کنند.
- ۶ پس از اتمام ساخت کاردستی، دانش‌آموزان براساس لوازمی که کاملاً در آن کاردستی مصرف شده، قیمت تمام شده‌ی آن را محاسبه می‌کنند. سپس قیمت فروش آن در بازارچه‌ی خیریه را، با سود مشخصی (به عنوان مثال ۲۰ درصد) به دست می‌آورند و روی آن برچسب قیمت می‌زنند. شرح این محاسبات را در برگه‌ی گزارش گروه خود می‌نویسند. پیشنهاد می‌شود، با هماهنگی مدیر و سایر مسئولان مدرسه، در روزهای جشن دهه‌ی فجر، بازارچه‌ی خیریه‌ای برگزار کنید، کارهای دست‌ساز دانش‌آموزان را در آن بفروشید و درآمد آن را به مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای حمایت از کودکان است، اهدا کنید. دانش‌آموزان را در اداره‌ی غرفه‌های فروش، جمع‌آوری پول‌ها و اهدای آن مشارکت دهید.

بازی‌های تلفیقی در تربیت بدنی

برای اولین بار در قرن هجدهم یک معلم آلمانی به نام «فردریک فروبل» تشخیص داد آموزش بدون سرگرمی و بازی ممکن است در یادگیری کودک مانعی ایجاد کند، بنابراین نظام آموزشی همراه با بازی را پیشنهاد کرد. از آن زمان آموزش همراه با بازی مورد توجه صاحب‌نظران و محققان حوزه‌ی تعلیم و تربیت قرار گرفت. نتایج مطالعات و پژوهش‌ها نشان داد بهترین یادگیری در کودکان با بازی محقق می‌شود. در حال حاضر، روش تدریس مبتنی بر بازی، به عنوان یکی از روش‌های نوین تدریس، مورد توجه معلمان در دوره‌ی ابتدایی است.

جذابیت و لذت بخش بودن فعالیت‌های بدنی به نفع آموزش سایر درس‌ها استفاده می‌شود و کلیدی‌ترین نقش معلم دادن ارزش آموزشی به بازی است. از این رو در طراحی و انجام بازی‌های تلفیقی توجه به نکات زیر ضروری است:

- تناسب بازی با اهداف آموزشی (تربیت بدنی و سایر درس‌ها)؛
- توجه به علاقه‌مندی کودکان و گنجاندن فعالیت‌هایی که برای کودک تجربه‌ی آموزشی داشته باشد؛
- تناسب بازی با آموخته‌های قبلی و سطح توانایی جسمانی و حرکتی کودکان
- تمهید مقدمات بازی با توجه به زمان، فضا و وسایل موجود؛
- نظارت بر کودکان در طول انجام بازی و راهنمایی کردن آنان؛
- رعایت نکات ایمنی و بهداشتی؛
- مشارکت دادن همه‌ی دانش‌آموزان و توجه به نظرات و پیشنهادهاى آنان،
- حفظ جذابیت، شادابی و نشاط بازی با ایجاد تغییر و تنوع.

همیاری، همکاری، مسئولیت‌پذیری، قانونمندی، نظم و انضباط، آشنایی با روابط اجتماعی، تحصیل عاطفه و آشنایی با محیط.

بازی‌های تلفیقی در تربیت بدنی یکی از جذاب‌ترین انواع بازی‌های آموزشی هستند که از درهم آمیخته شدن دو یا چند فعالیت ذهنی و جسمی شکل می‌گیرند. در این بازی‌ها کودکان در کنار انجام فعالیت‌های بدنی جذاب و سرگرم‌کننده، موضوعات سایر درس‌ها همچون ریاضی و علوم را نیز آموزش می‌بینند. به عبارت ساده‌تر، در بازی‌های تلفیقی از ظرفیت

تاکنون طبقه‌بندی‌های بسیاری از انواع بازی ارائه شده‌اند که طبقه‌بندی بازی به انواع «آموزشی و غیر آموزشی» عمومیت بیشتری دارد. بازی‌های آموزشی کارکردهای بسیاری دارند که همه‌ی آن‌ها در رشد و یادگیری کودک مهم هستند و می‌توانند به پرورش خلاقیت کودکان بینجامند، زیرا کودکان در جریان این بازی‌ها مراحل یادگیری را بدون تحمل خشکی کلاس، با نهایت رغبت و اشتیاق همراه با کسب لذت، سپری می‌کنند و در کنار دستیابی به اهداف آموزشی مدنظر، به تمرین زندگی نیز می‌پردازند؛ تمرین

هدف بازی:

- شناخت حروف، ساختن کلمه
- بهبود مهارت پرتاب کردن

در آغاز بازی دانش‌آموزان در دو گروه مساوی و در دو نیمه‌ی زمین والیبال روبه‌روی تور مستقر می‌شوند. تعداد زیادی توپ (ماهوئی، بادی و ...) که روی هر یک از آن‌ها یکی از حروف الفبا نوشته شده است، در اختیار هر دو گروه قرار می‌گیرد. با شروع بازی دانش‌آموزان در هر گروه سعی می‌کنند توپ‌هایی را که در اختیار دارند از روی تور به زمین مقابل پرتاب کنند و تا اعلام پایان بازی، پرتاب توپ‌هایی را که به زمین آن‌ها فرستاده می‌شود، ادامه دهند. بعد از ۲ دقیقه، با زدن سوت یا گفتن کلمه ایست توقف پرتاب اعلام می‌شود در این مرحله از بازی به دانش‌آموزان فرصت کافی داده می‌شود. تا با حروفی که در زمین خود دارند، کلمه بسازند. در صورت داشتن فضای کافی، پیشنهاد می‌شود بازی در گروه‌های کوچک اجرا شود.



معرفی نمونه بازی‌های تلفیقی در تربیت بدنی
ویژگی پایه‌ی تحصيل اول ابتدایی

بازی با حروف (تلفیق تربیت بدنی و فارسی)



هدف بازی:

- شناخت اعداد و مفهوم جمع
- بهبود حرکات جابه‌جایی

در آغاز بازی، دانش‌آموزان به شکل‌های تک نفره، دو نفره و سه نفره در محوطه‌ی بازی پراکنده می‌شوند. معلم به‌طور تصادفی عددی را اعلام می‌کند. دانش‌آموزان باید با انواع حرکات جابه‌جایی همچون راه رفتن، دویدن و پریدن که معلم از قبل تعیین کرده است، حرکت کنند و با بغل کردن همدیگر یا دور شدن از هم، نمادی از اعداد اعلام شده را بسازند. بعد از چندین نوبت، در ادامه‌ی بازی، برای درک مفهوم جمع، معلم به جای اعلام یک عدد، مجموع دو یا سه عدد را اعلام می‌کند (برای نمونه $۳ + ۲$).

هدف بازی:

- به‌کارگیری حواس
- بهبود هماهنگی عصبی - عضلانی
- بهبود مهارت‌های ادراکی - حرکتی
- (یکپارچگی شنوایی - حس حرکت)



در آغاز بازی، دانش‌آموزان در محوطه‌ی بازی و رو به‌روی معلم مستقر می‌شوند. معلم برای تقویت هماهنگی، یک حرکت درجا (مانند پرش درجا و زدن دست‌ها به یکدیگر، یا پروانه) را نشان می‌دهد و دانش‌آموزان آن را تکرار می‌کنند. سپس از دانش‌آموزان خواسته می‌شود برگردند و در موقعیت پشت به معلم قرار بگیرند و با به‌کارگیری حس شنوایی خود، به تعداد ضرب صداهایی که نواخته می‌شود، حرکت را انجام دهند. بعد از چندین نوبت، در ادامه‌ی بازی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با استفاده از یکی از حرکات جابه‌جایی (مانند راه رفتن یا دویدن) در محوطه‌ی بازی حرکت کنند. آن‌ها باید سرعت حرکت خود را با توجه به شدت صدایی که نواخته می‌شود، تنظیم کنند (برای نمونه، با شدت گرفتن صدا باید سرعت خود را زیاد کنند و برعکس). برای ایجاد فرصت‌های متنوع یادگیری و جذابیت بیشتر پیشنهاد می‌شود از انواع حرکات و صداها مانند ضربه‌ی دست‌ها، سوت، ضربه‌ی پا به زمین و ... استفاده شود.

عکس‌های این صفحه تزیینی است.

منابع

۱. آقازاده، محرم (۱۳۹۴). راهنمای کاربردی روش‌های نوین تدریس. مرآت. تهران.
۲. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۱). ضمیمه‌ی کتاب تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی ویژه‌ی معلمان پایه‌ی دوم. اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی. تهران.
۳. آرنولد، آرنولد (۱۳۷۶). ترجمه‌ی مرتضی بهمن آزاد. بازی‌های کودکان جهان. صابرین. تهران.

ارگونومی مدارس

یک روز احمد دید صبح نمی‌تواند از رختخواب بلند شود. کمرش و گردنش خیلی درد می‌کرد. آنقدر درد داشت که به گریه افتاد. مامانش احمد را پیش دکتر برد و دکتر پس از معاینه گفت احمد به علت بد نشستن و استفاده از کوله‌پشتی سنگین، کمر درد و گردن درد گرفته و باید تحت درمان قرار گیرد، روزانه نرمش‌هایی بکند و دارو نیز بخورد تا بهتر شود، ولی این کافی نیست؛ برای اینکه دردها دوباره به سراغش نیایند باید اصول ارگونومی را هم رعایت کند.

ارگونومی چیست؟

ارگونومی دانش اصلاح و بهسازی محیط کار، مدرسه، شغل و تجهیزات و تطابق آن با توانایی‌ها و محدودیت‌های انسان است. رعایت نکردن اصول ارگونومیک باعث ایجاد مشکلات و بیماری‌های متعدد، به ویژه بیماری‌های عضلانی - اسکلتی می‌شود. دانش ارگونومی از آنجا اهمیت مضاعف می‌یابد که به محیط کار محدود نیست، بلکه در واقع گستردگی این علم به وسعت کل زندگی است.

مدرسه محیطی با ساختار اجتماعی است که کودکان سال‌های حساس زندگی خود را در آن سپری می‌کنند. در دوران زندگی هر دانش‌آموزی، تقریباً یک چهارم از زمان روزانه در مدرسه طی می‌شود که ۸۰ درصد آن زمان به صورت نشسته صرف انجام فعالیت‌های کلاسی می‌شود. با توجه به زمان طولانی صرف شده در مدرسه،

مناسب بودن وسایل مدرسه از جمله میز و صندلی و نیز وسایل جانبی از قبیل کوله‌پشتی، برای برطرف کردن این نیاز دانش‌آموزان ضروری و حیاتی است. مطالعات متعدد نشان داده‌اند، دانش‌آموزان به‌طور مکرر در مدرسه از وسایلی استفاده می‌کنند که با ابعاد قد، وزن و اندامشان متناسب نیست. این موضوع آنان را در معرض خطر ابتلا به اثرات منفی ناشی از آن قرار می‌دهد؛ دانش‌آموزان مجبورند برای انجام دادن کارها در وضعیت‌های بدنی خاصی قرار گیرند. وسایل نامناسب مدرسه و نیز کوله‌پشتی، از عوامل مهمی هستند که باعث افزایش آسیب دستگاه اسکلتی - عضلانی می‌شوند. برای پیشگیری لازم است اصولی ارگونومی در استفاده از این وسایل مورد توجه قرار گیرد. در زیر، هر وسیله با اصول مربوط به‌طور جداگانه می‌آید:

میز و صندلی

- صندلی ارگونومیک باید حتماً پشتی داشته باشد تا کمر به آن تکیه کند.
- ارتفاع سطحی که روی آن می‌نشینید تا زمین باید به اندازه‌ی طول ساق پای شما باشد تا کف پاهای شما با سطح زمین کاملاً در تماس باشد و آویزان یا زانو خم‌شده نباشند.
- سطح میز روبه‌روی شما باید با آرنج شما هم‌سطح باشد و ساعد به راحتی روی آن قرار گیرد و بالاتر یا پایین‌تر نباشد.



میز و نیمکت

- نیمکت باید به شکلی باشد که دانش آموز بتواند آن را به میز نزدیک کند تا دست‌های خود را به میز تکیه دهد و تنه‌ی او با پشتی صندلی مماس باشد.
- ارتفاع میز باید به اندازه‌ای باشد که کف پا به راحتی با زمین مماس شود. وقتی کف پا روی زمین قرار می‌گیرد، زاویه‌ای که ران با تنه می‌سازد، حدود ۹۰ درجه است و در این صورت گودی کمر حفظ می‌شود.
- با توجه به فاصله‌ی بین ران و سطح زیرین میز امکان جابه‌جایی و حرکت آزاد پا موجود باشد.
- بهتر است زاویه‌ی سطح میز نسبت به سطح تراز ۱۵ درجه و به سمت دانش آموز شیب داشته باشد.
- ارتفاع میز طوری باشد که آرنج‌ها با لبه‌ی جلویی میز هم‌سطح باشند.
- نیمکت مدرسه باید رویه‌ی نرم و متناسب (پارچه‌های قابل تنفس) و در ناحیه‌ی کمری و زیر تیغه‌های شانه تکیه‌گاه مستحکم داشته باشد.



کوله‌پشتی

حمل وسایل و کیف مدرسه از خانه به مدرسه و برعکس نیز موضوعی است که در سال‌های اخیر در چندین مطالعه مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعات نشان داده‌اند، حمل کوله‌پشتی‌های سنگین سبب ناراحتی و دردهای اسکلتی عضلانی از جمله کمردرد، شانه‌درد و گردن‌درد دانش آموز می‌شود. به طوری که حمل کوله‌پشتی سنگین‌تر از ۱۰ درصد وزن بدن به اختلال در وضعیت و ترکیب بدنی دانش‌آموزان می‌انجامد.

- برای حمل کوله‌پشتی بهتر است ابتدا آن را روی میز و سپس روی شانه‌ها قرار دهید.
- در فاصله‌های طولانی کوله‌پشتی را به‌طور مداوم حمل نکنید. در صورت احساس خستگی، کوله‌پشتی را در آورید، تعدادی نرمش انجام دهید و سپس دوباره کوله‌پشتی را به نحو صحیح بر پشت بگذارید و مسیر خود را ادامه دهید.
- کوله‌پشتی‌های چرخ‌دار تنها در شرایطی توصیه می‌شوند که در تمام مسیر رفت و آمد و همچنین محیط مدرسه و خانه، نیازی به حمل و نقل دستی آن مثلاً از روی پله‌ها نباشد، زیرا این کوله‌ها وزن بالاتری نسبت به کوله‌های عادی دارند و چرخ و اسکلت مخصوص دسته، در صورت قرار گرفتن روی شانه‌ها، به پشت و کمر صدمه وارد می‌کنند.

- وزن کوله‌پشتی نباید بیشتر از ۱۰ درصد وزن بدن باشد. مثلاً اگر شما ۴۰ کیلوگرم وزن داشته باشید، نباید کوله‌پشتی سنگین‌تر از ۴ کیلوگرم را حمل کنید.
- کوله باید قسمت‌های مختلف برای وسایلتان داشته باشد، به طوری که هم از سمت راست و هم از سمت چپ آن به‌طور مساوی استفاده کنید تا به هیچ سمتی از شانه و کمرتان فشار بیشتر وارد نشود.
- بندهای کوله‌پشتی در حدی تنظیم شوند که هنگام حرکت، کوله‌پشتی بر پشت جابه‌جا نشود. همچنین، دقت کنید بندهای شانه‌ای متقارن تنظیم شوند؛ یعنی یکی شل و دیگری سفت نباشد.

کی با کی دشمنه!



● **بچه:** انگار نه انگار که ما هم آدمیم؟ هم‌هاش سپهر دیکته‌ها رو ببینه! برگه‌ها رو سپهر جمع کنه! کامپیوتر رو سپهر راه بندازه و برنامه‌ها رو اون اجرا کنه!...
 اه اه. چقدر بدم می‌آد از این سپهر! کاش مریض بشه و چند روز نیاد مدرسه تا به نفس راحت بکشیم و ما هم به کاری تو کلاس بکنیم.
 ● **مادر:** ای داد بیداد! این قدر بچه‌ی بدیه؟
 ● خیلی بدتر!

● خانمون همه‌ی کارای کلاس رو به سپهر می‌گه. تازه، اون رو میز اول و نزدیک میز خودش نشونده. همین که کاری داشته باشه، نگاهش می‌کنه و سپهر بدو بدو می‌ره برای خودشیرینی.
 ● یعنی تخته رو پاک می‌کنه؟ وقتی خانم نیست مبصر می‌شه؟ سوآلا رو هم اون جواب می‌ده؟
 ● مامان تو دوربین مخفی داری؟ اینا رو از کجا می‌دونی؟
 ● یادت رفته من به مادرم؟ تازه، قبل از اونم معلم بودم و قبل ترش هم مثل تو شاگرد کلاس بودم. پس اینا رو می‌دونم.



● خب، حالا که این طوری، راهی بلدی که سپهر را اذیت کنیم؟
 ● آره. فقط به شرط داره. سپهر باید بیاد خونه‌مون. موقع رفتنش، به نقشه‌ی شیطانی رو اجرا می‌کنیم.



با وجود مخالفت پسر در پذیرفتن دعوت سپهر به خانه، این کار را کردیم. از مادرش اجازه گرفتیم و سپهر با یک لگو، به عنوان کادو، به دیدن پارسا آمد. قرار بود پسر چیزی از نقشه را لو ندهد. بنابراین، از کلاس و معلم حرف زدند.
 سپهر ناخواسته اشاره کرد چقدر ناراحت می‌شود که باید همه‌ی کارها را تنهایی انجام بدهد و دلش نمی‌خواهد نزدیک دست خانم بنشیند. گفت به مادرش گفته سال بعد نماینده‌ی اولیا نشود، تا سپهر مجبور نباشد کارهای کلاس را انجام بدهد.

پارسا هم غیرمستقیم به او فهماند چرا همه‌اش در کلاس لج می‌کند و تخته را خط‌خطی می‌کند. دو ساعت به سرعت و به همین ترتیب گذشت.



موقع رفتن سپهر، هر چه به پسرم گفتم نقشه را عملی کنیم، قبول نکرد. سپهر رفت، بدون اینکه حسابش را برسیم. اما پارسا از من پرسید نقشه چه بود و چه بلایی قرار بود سر سپهر بیاوریم؟ من ابتدا برایش خاطره‌ای از کلاس چهارم دبستان خودم تعریف کردم: معلممان سال اول تدریسش بود. همان اول سال امتحان ریاضی گرفت و چون قرار گذاشته بود ۲۰ ها مبصر شوند، چهار نفرمان مبصر شدیم؛ البته همه با ۲۵ صدم ارفاق. دو تا از ما هم با هم دوست شدیم و با دو نفر دیگر دشمن.

روزی که ما مبصر بودیم، آن دو نفر را اذیت می‌کردیم و روز بعد آن دو تلافی می‌کردند. رقابت شدید شده بود. هر چهار تایمان شاگرد اول تا سوم کلاس شده بودیم؛ گاهی دو تا شاگرد اول یا دوم داشتیم. بچه‌های کلاس از دستمان کلافه شده بودند و می‌گفتند شما خودتان بیشتر کلاس را شلوغ می‌کنید. یک روز زمستانی برف آمد و مدرسه تعطیل شد. روز بعد هر چهار نفرمان می‌گفتیم روز مبصر بودن ماست. دعوایی کردیم که نگو.



عجب روزایی بود! اگر معلم ما تازه کار نبود، این اتفاق نمی‌افتاد. معلم باتجربه کارها را بین همه‌ی بچه‌های کلاس تقسیم می‌کند؛ نه زنگ‌ها را همه‌کاره می‌کند و نه تنبل‌ها را هیچ‌کاره. متأسفانه آن سال معلم ما این موضوع را متوجه نشد. خود ما هم که بچه بودیم. این شد که تا دانشگاه دشمن هم شدیم.

من بعدها که معلم شدم، خیلی به ماجرای کلاس چهارم خودمون فکر کردم و می‌دونم که وقتی معلم باتجربه می‌شه، هیچ وقت کاری نمی‌کنه بچه‌ها این طوری رودرروی هم قرار بگیرن. معلم باتجربه خیلی خوب تقسیم کار می‌کنه و به همه‌ی بچه‌ها توجه کافی داره.

در همین احوال بودیم که مامان سپهر زنگ زد، تشکر کرد و گفت سپهر دوست دارد سال بعد هم با پارسا در یک کلاس باشد.

● مامان پس چرا برای سپهر نقشه‌ی شیطانی کشیدی؟! اگر بلایی سرش می‌آوردیم چه؟

من نقشه‌ی شیطانی نداشتم پسر. اگر بهت می‌گفتم سپهر بچه‌ی خوبی، تو قبول می‌کردی؟ مجبور بودم کاری کنم که تو خودت اون رو بشناسی. دو ساعت که با اون بازی کردی و حرف زدی، خودت نتیجه گرفتی که سپهر خیلی هم پسر خوبی و ناخواسته مجبوره همه‌ی کارهای کلاس رو تنهایی انجام بده که خودشم دلش نمی‌خواد.

دکتر حسین راغفر، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) رشد اجتماعی بچه‌ها را در دوره‌ی ابتدایی جدی بگیریم

دکتر حسین راغفر

حسین راغفر در سال ۱۳۳۲ در تهران متولد شده است. وی دارای مدرک دکترا در رشته‌ی اقتصاد از دانشگاه اسکس انگلستان و در حال حاضر عضو هیئت علمی و دانشیار اقتصاد دانشگاه الزهرا (س) است.

سوابق کاری

- رئیس فدراسیون فوتبال در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱
- قائم‌مقام سازمان تربیت‌بدنی، از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴
- سردبیر کیهان انگلیسی، از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲
- عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س)، از ۱۳۶۴ تاکنون
- مدیرکل دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲
- مشاور سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲
- معاونت اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲
- رئیس موسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳
- مشاور وزارت رفاه و تأمین اجتماعی از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶
- عضو شورای پژوهشی دانشگاه الزهرا (س)
- عضو هیئت مدیره‌ی انجمن بهداشت ایران
- عضو هیئت مدیره‌ی جمعیت توسعه‌ی علمی و فناوری ایران

فعالیت‌های علمی، تحقیقاتی و آموزشی

- راهنمایی و هدایت ۹۷ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و دکترا.
- چاپ ۴۲ مقاله در نشریه‌های داخلی.
- ارائه‌ی ۱۴ مقاله در کنفرانس‌های داخلی.
- نقد و ویرایش علمی چند کتاب.
- تألیف و ترجمه‌ی کتاب‌های زیر:
- فلسفه و اقتصاد، ۱۳۷۵، چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- توسعه به مثابه آزادی، ۱۳۸۱، چاپ کویر؛
- گفتاری در باب نابرابری اقتصادی، ۱۳۸۱، چاپ موسسه‌ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی؛
- نظریه‌ی اقتصاد خرد، ۱۳۸۶، چاپ نشر نی؛
- گفتاری در باب نابرابری، ۱۳۸۶، چاپ موسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی؛
- دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ۱۳۸۸، چاپ نقش و نگار؛
- راهبردهای توسعه‌ی اقتصاد، ۱۳۸۷، چاپ نشر نی؛

دکتر راغفر، معتقد است اگر به وجوه اجتماعی شدن دانش‌آموزان در فرایند آموزش، به‌خصوص در دوره‌های پیش‌دبستانی و دبستانی توجه جدی شود، می‌توان امیدوار بود که نسل کاملاً متفاوتی در کشور شکل بگیرد که هم در زندگی فردی خویش موفق باشد و هم نقشی اساسی در پیشرفت و توسعه و رشد کشور ایفا کند. وی می‌گوید: «نظام آموزشی ما سال‌هاست که گلدایاتورهای تست‌زن تربیت می‌کند که هیچ نوع آشنایی با اصول رفتار اجتماعی ندارند. ما باید به بچه‌ها یاد دهیم که چگونه می‌توان در محیط زندگی با همه‌ی محدودیت‌های موجود، بهتر زندگی کرد و این همان درس فناوری است که جایش در نظام آموزشی ما خالی است. ما باید به درس‌هایی مانند فناوری، ورزش، هنر، ادبیات فارسی و تاریخ بیشتر بها بدهیم. با درس ورزش می‌توان همه‌ی آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، فکری و... را به بچه‌های دوره‌ی ابتدایی آموخت».

پنجمین گفت‌وگو پیرامون آموزش ابتدایی و توسعه را با دکتر حسین راغفر پی می‌گیریم.

● به نظر شما به‌عنوان یک اقتصاددان، آموزش دوران ابتدایی چه نقشی می‌تواند در توسعه و رشد کشور ایفا کند؟

داگلاس نورث، یکی از بزرگان اقتصاد که برنده‌ی جایزه نوبل هم شده است، می‌گوید: «اگر بخواهید بدانید کشوری توسعه‌یافته است یا خیر و یا اینکه آینده‌ی آن کشور به لحاظ توسعه چیست، لازم نیست به صنعت و فناوری آن کشور نگاه کنید، بلکه باید نظام آموزش ابتدایی آن کشور را بررسی کنید و ببینید که چگونه است». علت اصلی این تفکر آن است که در مسائل توسعه گفته می‌شود، محرک اصلی تصمیم‌گیری‌های درست در یک کشور، سازه‌های فکری آن کشور است و اینکه سازه‌های فکری و ذهنی انسان‌ها چگونه شکل گرفته است. سازه‌های ذهنی ما براساس باورهای ما، انباشته از سنت‌های به ارث رسیده از طریق فرهنگ، نظام آموزش رسمی و طیف بسیار گسترده‌ای از آموزش‌های غیررسمی، مانند رفتار دیگران، الگوهای رفتاری نظام ارزشی مسلط، آگهی‌ها، اخبار و فیلم‌هایی است که می‌بینیم. همه‌ی موارد فوق در شکل‌دهی ذهن ما مؤثر هستند و ما براساس این ذهنیت‌ها تصمیم می‌گیریم، الگوهای آینده‌ی خود را می‌سازیم، انتظاراتمان را از دنیا شکل می‌دهیم و رفتار و عمل می‌کنیم.

اگر امروز ما شاهد نوعی استهلاک شدید ارزش‌ها و باورهای اخلاقی و دینی در جامعه، به‌خصوص بین نوجوانان و جوانان کشور هستیم، باید علت را در نظام آموزشی کشور جست‌وجو کرد و نظام آموزشی مورد نظر، فراتر از نظام آموزش رسمی است. باید توجه داشت که خمیرمایه اصلی ذهنیت و سازه‌های فکری انسان در لایه‌های پایین‌تر سنی شکل می‌گیرد. بحث ذهنیت‌ها که از آقای داگلاس نورث نقل قول کردم، در دوره‌ی شکوفایی، پرسشگری و کنجکاوی بچه‌ها که همان دوره‌ی ابتدایی است، رخ می‌دهد.

امروزه در کشورهای صنعتی، حتی به خیلی قبل‌تر از دوره‌ی ابتدایی توجه می‌کنند و بچه‌ها را از سن چهارسالگی و پیش‌دبستانی به مدرسه می‌فرستند و اتفاقاً عمده‌ی آموزش‌های اجتماعی را در دوره‌ی چهارسالگی تا دبستان به بچه‌ها یاد می‌دهند. آن‌ها، آشنا شدن با حقوق زندگی جمعی، چگونگی عبور از خیابان، چگونگی احترام به حقوق سایر شهروندان، چگونگی احترام به قوانین و مقررات و... را از سن چهارسالگی به بچه‌ها می‌آموزند.

چون تنها در این صورت است که حقوق فردی و اجتماعی تأمین می‌شود. بنابراین تربیت بچه‌ها در دوره‌های اولیه‌ی زندگی، پیش‌دبستانی و دبستانی، تأثیری بسیار کلیدی و تعیین‌کننده در آینده‌ی جامعه دارد.

● با توجه به اهمیت‌ی که برای آموزش در دوران پیش‌دبستانی و دبستانی قائل هستید، در نظام آموزشی این دوره‌ها چه اتفاقی باید رخ دهد که بچه‌های امروز در آینده، علاوه بر اینکه در زندگی فردی خویش موفق شوند و بتوانند مستقل و سر پای خود باشند، نقش خوبی در رشد و توسعه‌ی کشور ایفا کنند؟

به نظر من، همان‌گونه که در همه‌ی کشورهای صنعتی دنیا، از چهارسالگی به آموزش مهارت‌های بچه‌ها توجه می‌کنند، ظرفیت‌های اقتصادی کشور ما هم این امکان را به ما می‌دهد که برای همه‌ی بچه‌های مملکت، از سن چهارسالگی، آموزش اجباری و رایگان را فراهم کنیم و با برنامه‌ریزی درست آموزشی و پرورشی، آن‌ها را به گونه‌ای تربیت کنیم که وقتی دیپلم می‌گیرند و از مدرسه خارج می‌شوند، انسان‌هایی در خدمت توسعه و پیشرفت کشور باشند.

با انجام این کار آن‌ها افرادی می‌شوند که به ارزش‌های ملی وفادار خواهند بود، از حقوق اجتماعی خودشان و دیگران آگاه خواهند بود و به آن حقوق احترام می‌گذارند. به علاوه براساس همان ارزش‌ها رفتار خواهند کرد و ذهنشان مملو از آموزه‌های وفاداری به جامعه و ارزش‌ها می‌شود و به سادگی فسادپذیر نمی‌شوند.

امروزه در کشورهای صنعتی، حتی به خیلی قبل‌تر از دوره‌ی ابتدایی توجه می‌کنند و بچه‌ها را از سنین چهارسالگی و پیش‌دبستانی به مدرسه می‌فرستند و اتفاقاً عمده‌ی آموزش‌های اجتماعی را در دوره‌ی چهارسالگی تا دبستان به بچه‌ها یاد می‌دهند

● نظر شما درباره‌ی نظام آموزشی رسمی فعلی کشور چیست؟

متأسفانه نظام آموزش رسمی ما سال‌هاست که گلابیاتورهای تست‌زنی تربیت می‌کند که هیچ نوع آشنایی با اصول رفتار اجتماعی ندارند. تصور بخشی از نظام آموزشی ما این است که باید ذهن دانش‌آموزان را از یافته‌های علمی انباشته کند. درس‌های مختلف را به آن‌ها می‌آموزد و از آن‌ها انتظار دارد که تمام درس‌ها را حفظ کنند. مدرسه‌ی موفق از نظر آن‌ها مدرسه‌ای است که گلابیاتورهای تربیت کند که بتوانند به خوبی از عهده‌ی زدن تست‌های فیزیک، ریاضی و... برآیند، نمرات و رتبه‌های بالایی را در دانشگاه‌ها کسب کنند و به این صورت مورد توجه مردم قرار گیرند. متأسفانه این نوع مدرسه‌ها شهریه‌های فوق‌العاده گزافی هم از دانش‌آموزان خود می‌گیرند. اما آنچه در این فرایند کاملاً مغفول می‌ماند، مسئله‌ی آموزش‌های اجتماعی است.

بعد از مدتی این نوع دانش‌آموزان از مدرسه‌های شناخته شده وارد دانشگاه می‌شوند و از آنجا که این گروه از دانشجویان وارد دانشگاه‌های برتر کشور هم می‌شوند، فرصت تحصیلی خارج از کشور پیدا می‌کنند و از کشور خارج می‌شوند. یعنی آموزش و پرورش ما به گونه‌ای نیرو تربیت می‌کند که اگر آن نیرو خوب و موفق از آب در بیاید، متعلق به نظام خلق ثروت در کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌شود و کشور ما هیچ نفعی از او نمی‌برد.

● چرا بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان خوب ما پس از فارغ‌التحصیلی از کشور می‌روند؟

با کمال تأسف باید عرض کنم که نظام آموزشی کشور ما، شاید از معدود کشورهایی باشد که درس تاریخ در آن درسی مغفول است. یکی از دلایلی که در کشورمان این همه فرار مغزها صورت می‌گیرد، این است که جوانی که وارد دانشگاه می‌شود، اصلاً تاریخ ایران را نمی‌شناسد.

جوانان نسل ما در فرایند شکل‌گیری انقلاب و مبارزات اجتماعی پیش از انقلاب آموزش‌هایی دیده‌اند، اما امروز همین آموزش‌ها

از نسل جوان کنونی دریغ شده است. گروهی از جوانان امروزی، مقاومت‌های جدی در مقابل یادگیری و خواندن تاریخ دارند. اگر امروز ما بهترین دستاوردهای انقلاب و حتی دوران پرمارت جنگ تحمیلی را که مشحون از آموزه‌های انسانی و اخلاقی است، بخواهیم آموزش بدهیم، با مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شویم. در صورتی که روایت منصفانه از تاریخ، نکته‌ی آموزشی بسیار تعیین‌کننده‌ای است که می‌تواند سبب شود، افراد نسبت به خاک وطن و ارزش‌های ملی و دینی خودشان وفادار بشوند و وفادار بمانند. جلب این وفاداری نسبت به کشور و تأمین آن تنها از درس تاریخ برمی‌آید و به همین دلیل می‌باید درس تاریخ در همه‌ی سطوح آموزشی متناسب با درک و فهم بچه‌ها ارائه شود. فقدان توجه کافی به درس تاریخ یکی از دلایل ناکامی نظام آموزشی عالی در کشور است که موجب می‌شود، تربیت‌شدگان نظام آموزشی ایران به راحتی جذب سایر کشورهای صنعتی شوند و کشور خودمان از وجودشان محروم شود. این‌ها همه به این علت است که از یک سو علقه‌های ملی، دلبستگی‌ها و وابستگی‌هایشان به کشور به دلیل جهلی که نسبت به تاریخ مملکت دارند، شکل نگرفته است و هیچ نوع احساس دینی نسبت به جامعه و مملکت ندارند. این‌ها عوامل فرار مغزها از کشور هستند.

● علاوه بر ضرورت آموزش تاریخ مملکت، چه درس‌های دیگری در دوره‌ی ابتدایی باید به بچه‌ها یاد داد که آن‌ها هم در زندگی فردی به استقلال دست پیدا کنند و هم در رشد، توسعه و پیشرفت کشور نقش مناسبی ایفا کنند؟

به جز تاریخ، ما باید به بچه‌ها یاد دهیم که چگونه می‌توان در محیط زندگی با همه‌ی محدودیت‌های موجود بهتر زندگی کرد. در حقیقت، این همان درس فناوری است که به شدت جایش در نظام آموزشی کشور ما خالی است. درس دیگری که در نظام آموزشی ما مغفول مانده است، ادبیات فارسی است که به ادعان بسیاری از کارشناسان خارجی یکی از غنی‌ترین ادبیات بشریت محسوب می‌شود. امروز دانشجویانی که وارد دانشگاه می‌شوند، نمی‌توانند چهار جمله صحیح را پشت‌سرهم بنویسند. علت این امر آن است که آموزش ادبیات در مدرسه‌ها کم و ناکافی است. دانش‌آموز ما از اثرگذاری ادبیات بر روح و جسم خویش غافل است، چون متأسفانه ذهن بچه‌های ما از این ارزش‌ها تهی شده است. وقتی ما دانش‌آموز بودیم، همه مجبور بودیم برای آشنایی با سعدی، شعرهایش را حفظ کنیم. آن موقع درک نمی‌کردیم که چرا باید شعرها را حفظ کنیم و عبارات‌های بوستان و گلستان را روی ذهنمان حک کنیم. در حالی که حفظ شعرهای سعدی و سایر شعرا روحمان را



به چگونگی نوشتن توجه داشتیم، سرمشق‌هایمان نیز مسیر آموزش فرهنگی و دینی هم بود. چون سرمشق‌هایمان عمدتاً گزاره‌های اخلاقی بزرگان بود. درس کاردستی به ما می‌آموخت، چگونه یک کار هنری را از شیئی بی‌جان تولید کنیم. شاید امروز بتوان به جای کاردستی‌های سنتی قبلی، شکل‌های دیگری از کاردستی‌ها را تولید و ترویج کرد. می‌خواهم بر این نکته تأکید کنم که آنچه امروز در نظام آموزشی ما مغفول مانده، عمدتاً وجوه اجتماعی و اجتماعی شدن فرد است. من معتقدم، اگر به وجوه اجتماعی شدن در فرایند تربیت بچه‌ها توجه کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که نسل کاملاً متفاوتی پرورش یابد که هم در زندگی فردی خویش موفق باشد و هم نقشی اساسی در پیشرفت و توسعه‌ی کشور ایفا کند. صحبت را با این جمله که فکر می‌کنم از شوپنهاور است، به پایان می‌برم که هیچ درد و رنجی بزرگ‌تر از دیده نشدن آدم‌ها نیست. اگر بخواهید کسی را نابود کنید، او را نادیده بگیرید. ما باید در نظام آموزشی‌مان به گونه‌ای عمل کنیم که همه‌ی بچه‌ها دیده شوند؛ نه اینکه فقط عده‌ی معدودی از بچه‌ها دیده شوند.

● آقای دکتر! از اینکه محبت فرمودید و وقتتان را در اختیار مجله‌ی ما قرار دادید، سپاس‌گزاریم.

داگلاس نورث، اقتصاددان و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل: اگر می‌خواهید بدانید کشوری توسعه‌یافته است یا خیر، لازم نیست به صنعت و فناوری آن نگاه کنید، بلکه باید نظام آموزش ابتدایی آن کشور را بررسی کنید

جلا می‌داد و آموزه‌های اخلاقی زیادی داشت. آثار آنان برای اثرگذاری بیشتر و انتقال درست به نسل بعد، از درجه‌ای از فصاحت و بلاغت برخوردار بودند. امروز هم برای انتقال درست و صحیح مطالب و تجربیات به نسل بعد، به درجه‌ای از فصاحت و بلاغت در زبان نیازمندیم و این تنها از طریق آموزه‌های زبان فارسی می‌تواند شکل بگیرد. این آموزه‌ها در طول زندگی به کمک فرد می‌آیند و فرد می‌تواند با استفاده از آن‌ها زندگی را بهتر بفهمد و درک کند و با ارزش‌های الهی بهتر آشنا شود. ما در درس تاریخ با سیاست، در ادبیات با اخلاق، و در درس‌هایی مثل فناوری با چگونه زیستن و استفاده‌ی بهینه از مواهب موجود در اطرافمان آشنا می‌شویم.

یکی از مواد درسی دیگری که ضروری است در مدرسه‌های ابتدایی ما مورد توجه جدی قرار گیرد، درس ورزش است. اگر زنگ ورزش مطلوب‌ترین زنگ دوره‌ی زندگی دانش‌آموزان نباشد، قطعاً یکی از خواستنی‌ترین زنگ‌هاست. در زنگ ورزش فقط مسئله‌ی رشد فیزیکی و جسمانی کودک مدنظر نیست. متأسفانه ورزش و نقش تربیتی آن، در سطوح متفاوت دستگاه‌های اصلی و مسئول کشور مغفول است. در صورتی که با ورزش می‌توانیم همه‌ی آموزه‌های اخلاقی، ایدئولوژیکی و فکری را به فرزندانمان بیاموزیم. زندگی جمعی و اجتماعی را می‌توان از طریق ورزش‌های جمعی به بچه‌ها آموخت. می‌توان صبر و مقابله با مشقات زندگی را از طریق ورزش آموزش داد. ما از طریق ورزش، ارزش‌های فتوت، جوانمردی، همکاری و نوع‌دوستی را می‌توانیم ترویج کنیم. درس دیگری که در نظام آموزشی دوره‌ی ابتدایی باید به آن به‌صورت جدی پرداخت، درس هنر است. هنر تلطیف‌کننده روح انسان است. یکی از درس‌هایی که من خیلی به آن علاقه داشتم، خطاطی بود. خط و درس خط، درس معرفت هم هست. ما در خطاطی نه تنها

چیستی و چرایی پوشه‌ی کار الکترونیکی

در نظام آموزشی ایران، در راستای اجرای مفاد اسناد بالادستی مانند «سند تحول بنیادین و سند راهبردی در تحول آموزش و پرورش» به ایجاد زمینه‌های تحول در تمامی مدارس از طریق ایجاد مراکز و منابع یادگیری با تأکید بر فناوری‌های جدید اشاره دارد، تشکیل پوشه‌ی کار الکترونیکی برای دانش‌آموزان یکی از اقدامات مهم در این زمینه است.

کار قرار می‌گیرند و با بررسی کارها و فعالیت، داده‌های قابل اعتماد، مستند و قابل سنجشی فراهم می‌شوند که براساس آن‌ها می‌توان تصمیم گرفت، قضاوت کرد و میزان پیشرفت دانش‌آموز را در فرایند یادگیری تعیین کرد. با این روش نه تنها معلم به نیازهای آموزشی دانش‌آموز پی می‌برد بلکه دانش‌آموز نیز با پی بردن به مشکلات یادگیری خود تلاش برای رفع آن‌ها می‌کند و در جریان یادگیری قرار می‌گیرد.

انواع پوشه‌ی کار الکترونیکی

۱. پوشه‌ی کار الکترونیکی متنی: شبیه همان پوشه کار متنی است، با این تفاوت که در آن تصاویر ثابت، جدول‌ها و نمودارها نمایش داده می‌شوند.

۲. پوشه‌ی کار الکترونیکی فرامتنی: به شکل چندرسانه‌ای است و تصاویر متحرک، همراه با پخش فیلم، انیمیشن، کلیپ و ... دارد.

هدف پوشه‌ی کار الکترونیکی

با توجه به نظریه‌های یادگیری، پوشه‌ی کار الکترونیکی می‌تواند اهداف متفاوتی را دنبال کند. در دیدگاه اثبات‌گرایان، هدف از پوشه‌ی کار الکترونیکی ارزشیابی نتایج یادگیری کاملاً مشهود است. مفاهیم همه ثابت هستند و پوشه فضایی برای ارائه‌ی نمونه کارهای دانش‌آموز است. در پوشه‌ی کار تنها بهترین کارهای دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد او چه چیز را چقدر آموخته است. در این دیدگاه، پوشه‌ی کار در خدمت ارزشیابی است. دیدگاه دیگر مخصوص ساختارگرایان است. در این دیدگاه، پوشه‌ی کار نوعی محیط یادگیری است که دانش‌آموز مفاهیم آن را می‌سازد. با تکیه بر این دیدگاه، پوشه در خدمت یادگیری مادام‌العمر است که در آن تمامی فعالیت‌ها و کارهای دانش‌آموز به شکل فرایندی و در طول سال تحصیلی در داخل پوشه‌ی

پوشه‌ی کار الکترونیکی چیست؟

پوشه‌ی کار الکترونیکی نسخه‌ی الکترونیک پوشه‌ی کار کاغذی است که در آن مجموعه‌ای از نمونه کارها، فعالیت‌ها و عملکردهای گوناگون دانش‌آموزان را که معلم و دانش‌آموز در جریان یاددهی - یادگیری به صورت هدفمند جمع‌آوری و انتخاب کرده‌اند، در قالب دیجیتال سازمان‌دهی می‌شود. در پوشه‌ی کار الکترونیک محتوای کار دانش‌آموزان و فرایند یادگیری آنان به صورت مطالب مکتوب، صوت، تصویر و فیلم قرار می‌گیرد که بیانگر میزان تلاش و موفقیت و پیشرفت آنان است. به عبارت دیگر، پوشه‌ی کار الکترونیک همچون آلبومی، تصاویر گوناگون و در مسیر رشد دانستن، توانستن و به کار بستن دانش‌آموزان را در مراحل یادگیری به شکل الکترونیکی به قالب‌های ورد، اچ‌تی‌ام‌ال، متن، پی‌دی‌اف، جی‌پی‌جی^۱ (که می‌تواند توسط رایانه اجرا شود) در می‌آورد.



ارزشمندی در اختیار آنان قرار می‌دهد تا براساس آن دانش‌آموزان تلاش‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات خود را پی‌گیری، سازمان‌دهی و مدیریت کنند.

فایده‌های پوشه‌ی کار الکترونیکی در مدارس

- امکان دسترسی آسان، به‌هنگام، سریع و کم‌هزینه و فرامکانی به اطلاعات پیشرفت تحصیلی- تربیتی دانش‌آموز
- امکان اطلاع‌رسانی متنوع (چندرسانه‌ای)
- اشغال نشدن فیزیکی فضای کلاس
- تنوع در ارائه‌ی بازخوردها و افزایش عمق یادگیری
- ساده‌سازی خودسنجی‌ها
- امکان جست‌وجوی سریع اطلاعات و گزارش‌سازی آسان
- کاهش استفاده از کاغذ و کمک به حفظ محیط زیست.■

منابع

۱. ملک، شیبا (۱۳۸۹). پوشه‌ی الکترونیک یک داستان. مجله‌ی رشد مدرسه‌ی فردا، شماره‌ی یک، دوره‌ی هفتم، مهر ماه.
2. <https://www.edutopia.org/blog/11-essentials-for-excellent-eportfolios-vicki-davis>
3. www.eportfolio.lagcc.cuny.edu

پی‌نوشت‌ها

1. word,HTML,text,PDF,JPG
2. OneNote
3. EverNote
4. Notbook
5. Wix
6. Webs
7. Weebly
8. Google Sites
9. Strikingly
10. LiveBinders
11. Glogster
12. bolg
13. Ning
14. Edublogs
15. KidBlogs
16. Edmodo

وبسایت‌های شخصی خود از ابزارهای «ویکس»^۵، «بزر»^۶، «وبلی»^۷ و «گوگل سایت»^۸ استفاده کنند. گاهی اوقات دانش‌آموزان می‌خواهند ارتباطی بین کار فعلی با کارهای دیگری که در جاهای دیگر منتشر کرده‌اند، ایجاد کنند برای این کار می‌توان از ابزارهایی مانند: «استرایکینگلی»^۹، «لایو بیندر»^{۱۰}، «گلاگ استر»^{۱۱} استفاده کرد. بلاگ‌های^{۱۲} دانش‌آموزی از دیگر امکاناتی هستند که می‌توانند یک کار کامل شده را به کار کامل‌شده‌ی دیگری مرتبط کنند. برای این کار «تینگ»^{۱۳}، «جوبلاگز»^{۱۴}، «کیدبلاگ»^{۱۵}، «ادمودو»^{۱۶} مناسب‌اند برای ساخت پروفایل بهتر است از نمونه‌ها و قالب‌های آماده شده از قبل استفاده شود.

۳. لازم است پوشه‌ی کار به‌طور مرتب بررسی شود. برای این کار پوشه‌ی کار الکترونیکی در صفحه‌ی رایانه به نمایش درمی‌آید و به دانش‌آموز، معلم و والدین امکان بررسی آن داده می‌شود. مشاهده‌ی آن اطلاعات

نکات لازم برای تهیه‌ی پوشه‌ی کار الکترونیکی

۱. لازم است، هدف از تهیه‌ی پوشه‌ی کار مشخص شود. همچنین، لازم است دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی آن را تهیه کنند و در مکانی قرار دهند که همیشه در دسترس باشد.
۲. از ابزارهای مناسب برای تقویت پوشه‌ی کار استفاده شود. به‌کارگیری نرم‌افزار «وان نوت»^۲ یا «ورنوت»^۳ در داخل «نوت بوک»^۴ می‌تواند در بررسی فرایند انجام کار دانش‌آموزان در پوشه‌ی کار به معلمان و مدیر کمک کند.
- وبسایت شخصی نیز از دیگر ابزارهای تقویت پوشه‌ی کار است. دانش‌آموزان می‌توانند برای ساختن



با کودکان خجالتی و کم‌رو چگونه برخورد کنیم؟

با دانش‌آموزی که به سادگی با سایرین ارتباط برقرار نمی‌کند و به قول معروف خجالتی است، چگونه رفتار کنیم؟ قبل از هر اقدامی، پاسخ‌گویی به چند سؤال می‌تواند راهگشا باشد. رفتار دانش‌آموز را مشاهده کنیم و ببینیم آیا او همیشه کناره‌گیر است یا فقط بعضی اوقات؟ چه شرایطی مسبب رفتار خجالت‌زده در کودک می‌شود؟ عملکرد او در گروه بهتر است یا به صورت انفرادی؟ آیا او به بازی با بچه‌ها علاقه دارد، اما از همراهی با آن‌ها به شدت می‌ترسد؟ اولین گام در مواجهه با کودک خجالتی، پذیرش اوست. احساسات دانش‌آموز را بشناسید و اجازه دهید خودش باشد. بی تفاوت نبودن نسبت به احساسات و علاقه‌های کودک به شما امکان می‌دهد با او ارتباط برقرار کنید. با این کار می‌توانید اعتماد به نفس او را تقویت کنید. اگر احساس کردید دانش‌آموز در موقعیت‌های سخت و مبهمی قرار گرفته است، او را یاری کنید تا بر ترس خودش غلبه کند. اگر او سعی کرد اما نتوانست، به او بگویید همچنان «دوستش دارید».

پرخاشگری نسبت به کودک‌کی که با ترس‌هایش درگیر است، به هیچ‌وجه مناسب نیست. با کودک درباره‌ی ترس‌هایش صحبت کنید. با این کار از شدت ترس‌های او آگاه شوید و او را به ارتباطات بیشتر تشویق کنید. او می‌تواند با پذیرش، عشق‌ورزی، حمایت و تشویق بر ترس‌های خود غلبه کند. فوق برنامه‌ها و ساعات تفریحی موقعیت مناسبی هستند که می‌توان در آن‌ها به کودک خجالتی آموزش داد تا بهتر عمل کند. برای این کار می‌توانید با اجرای بازی‌های مفرح بین سایر دانش‌آموزان و ایجاد شور و شوق، انگیزه‌ی لازم را در کودک خجالتی نیز ایجاد کنید. گاهی می‌توانید دانش‌آموز خجالتی را با دانش‌آموزانی که از لحاظ روابط اجتماعی در سطح بالاتری هستند، در گروه‌های دو نفری قرار دهید و یا او را با دانش‌آموزانی که از لحاظ سنی از وی کوچک‌ترند، در یک گروه قرار دهید تا از این طریق، ضمن کسب اعتماد به نفس بیشتر، راه‌های تعامل با سایرین را فراگیرد. مثلاً می‌تواند به آن‌ها قصه بگوید یا در بازی‌ها سرگروه باشد. با ایفای نقش در بازی، مهارت‌های وارد شدن به اجتماع و برقراری ارتباط اجتماعی را به او آموزش می‌دهید. ادبیات مربوط به مهارت‌های اجتماعی را به بچه‌ها بیاموزید. مثل اینکه به دوستانش بگوید: «آیا من هم می‌توانم بازی کنم؟»

دادن دستورالعمل‌های گام به گام و روشن به دانش‌آموز، درباره‌ی آنچه در گام بعدی باید انجام دهد، بسیار ضروری است. برای این کار معلم می‌تواند خودش را به دانش‌آموز نزدیک و به‌طور انفرادی و با کلمات ساده با وی صحبت کند. برای مثال بگوید: «همه‌ی ما بعضی وقت‌ها خجالت می‌کشیم. برای مثال وقتی هم کلاسی جدید را می‌بینیم، یا به جای تازهای می‌رویم. وقتی کودکان می‌بینند احساس آن‌ها برای دیگران مهم است، می‌کوشند بر ترس خود غلبه کنند. نشان دادن الگوهایی از دانش‌آموزانی که

با دیگران تعامل و ارتباط خوبی دارند، در راهنمایی کردن دانش آموز خجالتی مؤثر است. کودک خجالتی می تواند با دیدن رفتار مناسب دیگران، نحوه ی ارتباط مناسب در هر مرحله را به خوبی فراگیرد. دانش آموز را با تجربیات جدید روبه رو کنید. برای مثال، از خانواده ی کودک بخواهید او را به مکان های جدید ببرند تا ترس و هیجان کودک کمتر شود. والدینی که می خواهند کودکشان رفتار اجتماعی داشته باشد، باید رفتارهای معاشرتی خود را بیشتر کنند. در نهایت باید به یاد داشته باشیم، برای آنکه دانش آموز خجالتی از «بودن در کنار سایر دانش آموزان لذت ببرد»، به «زمان» نیاز دارد تا بتواند به راحتی با محیط خودش تعامل کند.

با دانش آموز خجالتی خود چگونه رفتار کردیم؟

موضوع «عزت نفس و خود ارزشی» از اساسی ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت کودکان و نوجوانان است و نبود آن موجب کمروبی و عامل عقب ماندگی و شکست و ناکامی در زندگی است. هر کسی ممکن است با موقعیت های ناخواسته و ناخوشایند روبه رو شود و نتواند با آن ها مقابله کند و واکنش مناسبی نشان دهد. کمروبی نقیصه ای جدی در زندگی فردی و اجتماعی است. در هر جامعه، درصد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان و بزرگسالان با این اختلال رفتاری و عامل بازدارنده ی رشد شخصیت اجتماعی مواجه هستند.

مهدی، دانش آموز ساکت و کم تحرک و کم حرف و از لحاظ درسی در حد متوسط است. اگر از او سؤال بشود هم پاسخ نمی دهد و سکوت اختیار می کند. در فعالیت های کلاسی مشارکت نداشته و اهل بگو و بخند با بچه ها نیست. به دنبال علت مسئله برآمدم. با توجه به شواهد و مدارک به دست آمده

می توان گفت، مهدی از نظر خانوادگی هیچ مشکلی ندارد و از لحاظ عاطفی و جسمانی نیز مشکلی در وی مشاهده نشد. او از لحاظ درسی نسبتاً خوب، اما گوشه گیر و ساکت است با دیگر دانش آموزان ارتباط اجتماعی ندارد. از آنجا که عزت نفس پایینی دارد، خیلی زود با چند سؤال گیج می شود. خیلی زود می ترسد و در برخورد با دیگر دانش آموزان اصلاً صحبت نمی کند.

گردآوری شواهد

ابتدا از دوستانش در مورد او سؤالاتی پرسیدیم. دوستانش گفتند مهدی در زنگ تفریح با آن ها صحبت می کند، اما بسیار کم.

مهدی درس های شفاهی را نمی تواند بیان کند، اما درس های کتبی را که به صورت نوشتاری هستند، به خوبی و با خط خوب می نویسد و در امتحانات کتبی معمولاً موفق است. چندبار با خانواده ی او تماس گرفتیم و پدرش را دعوت کردم و جویای علت شدم. او گفت در خانه به او توجه می شود. مهدی فرزند اول خانواده است و در کارهای منزل هم کمک می کند. از صحبت های والدین متوجه شدم، در منزل او را خیلی به انجام دادن یا ندادن کارها امر و نهی و نیز انتقاد می کنند.

با توجه به اینکه مهدی مشکل جسمی و فیزیکی و درسی نداشت، علت های احتمالی کمروبی او را نوشتیم:

● تحقیر و تنبیه توسط معلم یا معلمان سال های قبل؛

● حساسیت بیش از حد خانواده؛

● نوعی مقابله با نگاه های سؤال انگیز دوستان و اطرافیان؛

● داشتن دوستان کم و ارتباط کم با دوستان در مدرسه و خارج از مدرسه؛

● کم بودن عزت نفس به دلیل انجام ندادن مسئولیت هایی که به وی سپرده شده بود و سرزنش های بعد از آن؛

● انتخاب راه های تازه تر به طور موقت.

راهکارهایی را به خانواده و همکاران مدرسه پیشنهاد دادم و خود نیز در کلاس این موارد را اجرا کردم:

۱) همکاری و مشارکت او را در گروه بندی های کلاس، تشویق کنیم.

۲) مسئولیت های جدید به وی بدهیم.

۳) او را در کلاس و منزل کمرو و خجالتی خطاب نکنیم.

۴) بچه های دیگر را تشویق کنیم در انجام کارهای گروهی کلاس (درسی - ورزشی) از او استقبال کنند.

به پدر و مادر وی توصیه کردم در هنگام خرید و کارهای بیرون، او را مورد خطاب قرار دهند و نظر او را نیز بپرسند. در طول روز هم او را به محیط بیرون از خانه (مسجد، منزل فامیل و ...) ببرند.

خودم هم در حین درس دادن از او سؤال می کردم و به ازای انجام کار بهتر و دادن پاسخ صحیح، با ثبت نمره ی مثبت در دفتر کلاس، او را تشویق می کردم. در بعضی موارد تدریس هم نظرش را می پرسیدم.

پس از گذشت پنج ماه از سال تحصیلی، دیگر مهدی آن مهدی سابق نبود. در کارها و فعالیت های گروهی و کلاسی شرکت می کرد و همواره پاسخ گو بود.

در زنگ ورزش هم در تیم فوتبال کلاس قرار گرفته بود و به خوبی با بچه ها بازی می کرد.

گاهی نیز در مراسم صبحگاه مطالبی می خواند.

والدین او اذعان داشتند مهدی در خانه و در برخورد با اقوام و دوستان بسیار خوب رفتار می کند.

مسئولیت پذیری اش در کلاس نیز بیشتر شده بود. اکنون اعتماد به نفس فوق العاده ای در وجودش به چشم می خورد و در محیط مدرسه با دوستان و هم کلاسی های خود رابطه ی خیلی خوبی دارد.

البته ممکن است همیشه رفتار به همین راحتی اصلاح نشود، چون تفاوت های فردی دانش آموزان در این باره تأثیر گذارند. ■

مدیریت جلسه دیدار با والدین

با شروع سال تحصیلی جدید، یکی از خواسته‌های مدیران مدارس برگزاری جلسه‌ی دیدار ماهانه با والدین است که البته برای معلمان با سابقه کاری ساده و در عین حال برای سرباز معلمان و نیروهای تازه استخدامی بسیار دشوار است. ولی باز فرقی نمی‌کند، چرا که اگر همچون گذشته بخواهیم به عنوان آموزگاری حتی با سابقه، فقط به صورت فرمایشی، انتظارات مدیر مدرسه‌مان را به اطلاع خانواده‌ها برسانیم، در پیشبرد اهداف خود قدمی برنداشته‌ایم. یکی از چالش‌های جلسات دیدار با والدین دقیقاً همین است، چرا که کارایی لازم را ندارد و عموماً وقت جلسه صرف آشنایی بسیار مختصر خانواده‌ها با معلم و بیان موارد مربوط به رعایت نظافت و غیبت‌ها و انجام تکالیف و تعداد دفترها می‌شود. در صورتی که جلب مشارکت خانواده‌ها و ترغیب آن‌ها به همکاری با کلاس و مدرسه می‌تواند در کسب موفقیت در روند یاددهی و یادگیری بسیار اثربخش باشد.

مدرسه، بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل خواهند شد. برای مشارکت خانواده‌ها در امور کلاس و مدرسه، داشتن تدابیری که بتواند مشارکت حداکثری اولیا را به دنبال داشته باشد، از اهمیت و ضرورت خاص برخوردار است.

البته جلب این مشارکت بهتر است با سیاست‌های تغییر نگرش مدیران و اولیا نسبت به برقراری ارتباط با هم همراه باشد تا نتایج اثربخش حاصل شود که این جز در ارتباط خوب میان معلم و والدین امکان‌پذیر نخواهد بود.

مشارکت به معنی همکاری کردن با دیگران در رسیدن به اهداف است و آموزش‌های مؤثر و کاربردی در مدارس جز با همکاری والدین نمی‌تواند تحقق پیدا کند و حتی موجب کسب موفقیت‌های تحصیلی کودکان نیز شود. اگر این جلسات تنها با هدف بیان شده در بالا برگزار شوند، به تدریج کارایی خود را از دست می‌دهند و والدین دیگر تمایلی برای شرکت در آن‌ها نخواهند داشت.

پس در پرتو همدلی و هم‌سویی این دو نهاد مهم آموزشی و تربیتی، یعنی خانه و

راهکارهای اثربخشی جلسه‌ی دیدار با والدین

- تهیه‌ی بروشوری از موارد زیر: (آموزگار می‌تواند به بیان شفاهی نیز اکتفا کند، ولیکن ارائه‌ی کتبی و بروشور می‌تواند اثر بیشتری داشته باشد).
- معرفی آموزگار و بیان رزومه‌ای از او
- بیان ویژگی‌های شناختی و نیز عاطفی سنی دانش‌آموزانی که در پایه‌ی موردنظر وی مشغول تحصیل خواهند شد.
- معرفی طرح‌های ابتکاری یا فعالیت‌هایی که قرار است در طول سال با مشارکت اولیا اجرا شوند.



ارائه‌ی برنامه‌ی کلاسی

● ارائه‌ی تاریخ جلسات دیدار با والدین تا پایان سال تحصیلی
بیان این نکته ضروری است که اگر آموزگار با دست‌پیر و برنامه‌ی ابتدای سال تحصیلی با والدین آشنا شود، می‌تواند در جذب مشارکت آن‌ها موفق‌تر عمل کند؛ ضمن اینکه اولیا باور بیشتری به کار او خواهند داشت.

● تهیه‌ی فهرستی از اسامی دانش‌آموزان کلاس و نام یکی از والدین آن‌ها و ثبت شماره‌ی تماس والدین در آن
● ارائه‌ی نمونه‌ی برگ شرح حال پوشه‌ی کار توصیفی به منظور کسب اطلاعات دقیق‌تر از وضعیت خانواده و دانش‌آموز و احیاناً بیماری یا داروی خاصی که باید

● انتخاب نماینده‌ی والدین برای کمک به اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های کلاسی (بهتر است نماینده‌ی والدین در اولین جلسه انتخاب نشود تا آموزگار بتواند با دقت بیشتری او را انتخاب کند. داشتن نماینده‌ای همراه و آگاه و دارای حسن اخلاق می‌تواند کمک‌حال خوبی برای معلم باشد).

● به رأی گذاشتن اجرای برخی طرح‌های ابتکاری کلاسی و بعد توافق والدین برای اجرا شدن یا نشدن آن، چرا اگر با توافق خودشان باشد، معلم راحت‌تر می‌تواند آن طرح را اجرا کند. (البته معلم با تدبیر خود، قبل از به رأی گذاشتن آن، بهتر است کاری کند تا والدین به اهمیت اجرای طرح‌ها پی ببرند).

● گزارش نکردن وضعیت تحصیلی بچه‌ها به خانواده‌ها در اولین جلسه‌ی دیدار با والدین، چرا که والدین باید بدانند با گذشت اندکی زمان می‌توان بچه‌ها را ارزیابی کرد. لذا رفتارهای چند روز اول ملاک کافی برای بیان وضعیت دانش‌آموز نیست.

● تأکید بر دقت والدین به بررسی وضعیت بینایی و شنوایی دانش‌آموزان و نیز کمبود برخی ویتامین‌ها که ممکن است موجب نداشتن دقت و تمرکز آن‌ها در کلاس و حین یادگیری شود. لذا والدین فقط به بررسی‌های سنجش کلاس اول اکتفا نکنند.

در پایان لازم می‌دانم به این نکته هم اشاره کنم، همان‌طور که می‌دانیم، سادگی و آراستگی موجب مقبولیت همکاران نزد اولیا می‌شود. لذا، خصوصاً در اولین برخورد و جلسه‌ی دیدار با والدین، خوب است به این موضوع نیز توجه کنیم که داشتن پوششی مناسب با محیط آموزشی و در عین حال شادابی و آراستگی در کفش و لباس و گفتار و کلام می‌تواند در اثربخشی جلسه نقش مثبت داشته باشد. ■



مثال‌ها و مصداق‌هایی استفاده کند تا اولیا به اهمیت آن بیشتر پی ببرند.

● آگاه‌سازی والدین از رویکردها و اهداف کتاب‌های درسی می‌تواند در طول سال تحصیلی به معلمان کمک بسیاری کند و جلوی بسیاری از قضاوت‌ها یا توقعات اشتباه آنان را بگیرد، چرا که عموماً والدین عادت دارند مدرسه و معلم را با مدرسه و معلم دیگری مقایسه کنند. همچنین، آن‌ها از اهداف کتاب‌ها و نحوه‌ی ارزشیابی آن‌ها بی‌خبرند.

● تأکید آموزگار به والدین برای خواندن بخش سخنی با والدین و آموزگار کتاب درسی، چرا که معلم در سایه‌ی ارتقای آگاهی والدین به اهداف آموزشی و تربیتی خود می‌رسد.

مصرف شود و تکمیل آن توسط والدین و نگهداری آن به‌صورت محرمانه توسط آموزگار؛

● بیان خواسته‌های مدرسه مثل رعایت نظافت یا دقت در میزان غیبت‌های دانش‌آموز و موارد انضباطی و... البته به یاد داشته باشید، ذکر این موارد صرفاً نمی‌تواند اثرگذار باشد. لذا معلمان می‌توانند طرح‌ها و ابتکارات خود را در خصوص این موارد در همین جلسه به اطلاع والدین برسانند.

● نکته‌ی بسیار مهم این است که تا والدین ندانند تمام مطالبی که گفته می‌شود به نفع فرزندشان است، قطعاً صحبت‌های این جلسه اثرگذار نخواهد بود. لذا معلم می‌تواند در بیان موارد از



کاربرد نرم افزارهای چند رسانه‌ای در آموزش ابتدایی

اما استفاده از نرم افزارهای آموزشی باید به گونه‌ای باشد که نه تنها فرایند یادگیری و یادسپاری را تقویت کند، بلکه فعالیت‌های یادگیری در آن‌ها مبتنی بر بهره‌گیری کامل از حواس دانش‌آموزان تنظیم شود.

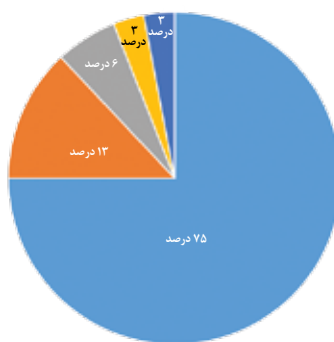
عملکرد حافظه و یادگیری

اطلاعات از طریق حافظه‌ی حسی وارد ذهن می‌شوند و در صورت توجه کردن به آن‌ها، به حافظه‌ی فعال انتقال می‌یابند. حافظه‌ی کوتاه مدت ظرفیت محدودی دارد و اطلاعات محدودی را قبل از اینکه وارد حافظه‌ی بلند مدت شوند، در خود نگه می‌دارد. پردازش اطلاعات در ذهن توسط دو کانال تصویری و کلامی صورت می‌گیرد. کانال تصویری اطلاعاتی را که دیده می‌شوند، پردازش می‌کند و کانال کلامی، پردازش اطلاعاتی را که شنیده می‌شوند، در برمی‌گیرد. بنابراین، پردازش اطلاعات توسط دو کانال و به صورت هم‌زمان باعث می‌شود اطلاعات بیشتری را پردازش کند تا اینکه فقط یک کانال فعال باشد. یادگیری فعال مستلزم به کارگیری مجموعه‌ای هماهنگ از فرایندهای شناختی در طول یادگیری است. استفاده از چند رسانه‌ای‌ها به پردازش اطلاعات از طریق گفتار و متون نوشتاری در کانال کلامی کمک می‌کند و پردازش اطلاعات توسط تصاویر و تصاویر متحرک (انیمیشن و فیلم) در کانال تصویری انجام می‌شود.

زمانی که کلمات و تصاویر در کنار هم یا

بمکارگیری حواس در یادگیری

حس‌های مختلف در یادگیری انسان نقش مساوی و یکسان ندارند. یادگیری در انسان ۷۵ درصد از طریق حس بینایی، ۱۳ درصد حس شنیداری، ۶ درصد حس لامسه، ۳ درصد حس چشایی و ۳ درصد حس بویایی اتفاق می‌افتد.



نرم افزارهای چند رسانه‌ای، برنامه‌های چند اسلایدی و بسته‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که پیام مطالب را در قالب تصاویر، نوشتار، فیلم یا صدا منتقل می‌کنند و این پیام توسط چند حس دریافت می‌شود. فرایند یادگیری در این نوع انتقال پیام سریع‌تر و عمیق‌تر و به خاطر سپردن و یاد آوردن مطالب راحت‌تر و آسان‌تر از زمانی است که فقط یکی از حواس درگیر باشد. به طور مثال، در خصوص درس‌هایی که بر پایه‌ی حس شنیداری؛ مثل تاریخ استوارند، می‌توان گفت، استفاده از روش‌هایی همانند تماشای فیلم و نشان دادن تصاویر مربوطه همراه با صوت تأثیرگذاری بیشتری دارد.

تغییرات وسیع در زمینه‌ی استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی آموزشی، به‌ویژه در بُعد رسانه‌ای، مدیران آموزشی را واداشته است که با استفاده از رسانه‌های آموزشی و تکنولوژی، یادگیری را تسهیل کنند و این دستاوردها را جایگزین تدریس سنتی کلاس درس خود کنند. آموزش به معنای هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده با هدف ایجاد یادگیری در فراگیرنده است. یادگیری هم به معنای ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه‌ی یادگیرنده، مبتنی بر کسب تجربه، تعریف می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت، یادگیری هدف است و آموزش یکی از راه‌های رسیدن به آن. در این صورت، رسانه‌ی آموزشی که ابزاری برای انتقال پیام آموزشی به فراگیرنده است، جزئی از فرایند آموزش خواهد بود و استفاده از آن بر میزان یادگیری شاگردان اثر می‌گذارد.

نرم افزارهای آموزشی چند رسانه‌ای نیز برنامه‌هایی هستند که توانایی ارائه‌ی موضوعات درسی را متناسب با اهداف آموزشی، در قالب تصاویر گرافیکی، انیمیشن، فیلم، صدا و غیره، امکان‌پذیر می‌سازند. آموزش از این طریق برای دانش‌آموزان ابتدایی که توانایی خواندن و درک کامل را ندارند، اثربخش است.

استفاده‌ی معلمان از نرم افزارهای چند رسانه‌ای در آموزش به اثربخشی در یاددهی - یادگیری منجر می‌شود که عبارت‌اند از:



تجربه‌ی کمتری دارند، با دیدن فیلم‌های آموزشی، تصاویر و انیمیشن‌های مرتبط با موضوع مورد نظر، بهتر می‌توانند درس را ارائه دهند. ارائه محتوای آموزشی از طریق تصاویر، فیلم انیمیشن و آزمایشگاه‌های مجازی به سرعت انتقال مفاهیم کمک می‌کند. اگر برای تفهیم یک موضوع معلم مجبور باشد چند بار موضوع را بیان کند، به کمک تصاویر، فیلم‌های مرتبط و نمودار این دفعات کاهش می‌یابد.

مهارت تفکر

دانش‌آموز از طریق درگیر شدن با تصاویر و فیلم‌ها در خصوص محتوایی که آموزش می‌بیند و اطلاعاتی که از قبل داشته است به تفکر می‌پردازد. همچنین، مهارت استدلال کردن و بحث و گفت‌وگو در خصوص موارد مشاهده شده در او افزایش می‌یابد. نرم افزارهای چندرسانه‌ای به دلیل انعطاف‌پذیری، محتوای غنی، تسهیل شرایط یادگیری و کاهش زمان آموزش می‌توانند نیازهای دانش‌آموزان را پاسخ‌گو باشند و در انتقال هر چه بهتر و درک مفاهیم درسی به دانش‌آموزان کمک کنند. موارد زیر باید در انتخاب نرم‌افزار آموزشی رعایت شوند. ■



بیشتر از توضیحات شفاهی معلم برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از انتقال آلودگی باشد.

ایجاد انگیزه در یادگیری

ارائه‌ی تصویر همراه با موضوع یا حتی فیلم مرتبط با درس برای دانش‌آموزان خوشایند است و درک و فهم مطالب را آسان‌تر و در نتیجه انگیزه ایجاد می‌کند.

راهنمای نومعلم‌ان

رسانه‌های آموزشی معتبر و منطبق بر اهداف آموزشی می‌توانند راهنمای خوبی برای نومعلم‌ان در تدریس آن درس مربوطه باشد و کلاس خشک آن‌ها را به کلاس پویا تبدیل کند. معلمانی که در تدریس

ترکیبی از انیمیشن و گفتار به کار برده شود، دانش‌آموزان بهتر و سریع‌تر از زمانی که کلمات به تنهایی به کار برده شوند، یاد می‌گیرند. اگر متنی به تنهایی مطالعه شود، دانش‌آموز تنها یک مدل ذهنی کلامی برای یادگیری دارد و مدل ذهنی تصویری در او ایجاد نمی‌شود. به طور مثال، معلم علوم برای ایجاد هر دو مدل ذهنی دیداری و کلامی می‌تواند در مورد روش جوانه زدن گیاهان از انیمیشن یا فیلم کوتاه همراه با گفتار استفاده کند. محتواهای چندرسانه‌ای که خوب طراحی شده باشند، می‌توانند این فرایند را به‌خوبی طی کنند.

تجارب یادگیری غیر قابل دسترس

امکانات نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای دانش‌آموزان را قادر می‌سازند موضوعاتی را که امکان یادگیری و تجربه‌ی مستقیم آن‌ها وجود ندارد، از راه‌های گوناگون مثل فیلم، تصاویر، انیمیشن و آزمایشگاه‌های مجازی یاد بگیرند و تجربه کنند. به طور مثال، در درس ریاضی و علوم این امکان به دانش‌آموزان داده می‌شود که بتوانند آزمایش‌های گوناگون را فراتر از آنچه در کتاب درسی است، تجربه کنند. برای مثال، در درس علوم پایه‌ی پنجم می‌توان با انتخاب یک انیمیشن یا فیلم کوتاه بخش حاصل‌خیزی خاک را توضیح داد یا در پایه‌ی ششم، آموزش راه‌های حفاظت از محیط زیست با ارائه‌ی فیلم‌های کوتاه می‌تواند جالب و میزان تأثیرگذاری آن



طرح مسئله

به‌عنوان آموزگار، در کلاس با دانش‌آموزی مواجه شدم که بسیار علاقه‌مند به یادگیری، مسئولیت‌پذیر در انجام تکالیف و فعالیت‌ها، سرشار از شور و نشاط و بسیار مشتاق به کمک کردن به دوستانش در تمام فعالیت‌های آموزشی بود؛ به طوری که دقت و تلاش او در انجام تکالیف و آمادگی بالای تحصیلی‌اش قابل تحسین بود، اما به مرور زمان متوجه افت و کاهش انگیزه، تغییر در عملکرد و نحوه‌ی تلاش و تغییر نگرش نسبت به خودش شدم. در برخورد با موقعیت‌ها رفتارهایی مانند پرخاشگری، گریه، داد و فریاد و گوشه‌گیری از خود بروز می‌داد و در نتیجه در خود احساس ناتوانی و شکست می‌کرد. مشاهده‌ی این رفتارها برایم عذاب‌آور بود. تصمیم گرفتم پی‌گیر این وضعیت بشوم. در اولین فرصت با مدیر صحبت و بلافاصله تقاضای جلسه‌ی فردی با مادرش را مطرح کردم. در ابتدای جلسه از ارتباط والدین با

خانواده‌ی منفی‌نگر

و تأثیر آن بر افت تحصیلی دانش‌آموز

معلمان مانند پلی هستند که دانش‌آموزان را به عبور از روی آن دعوت می‌کنند. پس از اینکه عبور دانش‌آموزان را تسهیل کردند، شادمانه فرو می‌ریزند و آنان را تشویق می‌کنند. پل‌های خود را بسازند.

نیکوس کازانتراکس

خانواده تنها بنیانی است که می‌تواند در کنار مدرسه، موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را رقم بزند. برای پرواز در عالم تعلیم و تربیت دو بال هم‌سو نیاز است؛ از یک‌سو والدین مثبت‌نگر و از سوی دیگر مربیان کارآمد. در کشور ما مردمی با فرهنگ‌های گوناگون زندگی می‌کنند که معمولاً با تعصبات قومی و قبیله‌ای آن فرهنگ‌ها روبه‌رو هستیم. در بین خانواده‌های ایرانی والدینی هستند که سعی می‌کنند تفکرات هر چند منفی و غلط خویش را با حفظ تعصب به فرزندان القا کنند.



شده بود غنچه‌های انگیزه و هدف در او پژمرده شوند. والدین او فراموش کرده بودند که شنیدن یک کلمه، فقط یک کلمه‌ی ناصحیح و ناامیدانه، ممکن است دنیای زیبای افکار کودکانی او را سیاه کند و راه رشد و تعالی او را سد کند.

والدین شاگردم با حمایت و پشتیبانی نادرست مانند امر و نهی کردن، پیگیری و نظارت توأم با خشونت و توبیخ و تعمیم دادن نحوه‌ی تربیت و تجربیات قبلی خودشان به آینده و سرنوشت فرزندشان، به هم ریختگی روحی، افت تحصیلی و از دست دادن حس استقلال و اعتماد به نفس را در فرزندشان سبب شده بودند.

تصمیم گرفتم بیش از پیش با والدین او در تعامل باشم تا از این طریق بتوانم به منظور تغییر نگرش آن‌ها و همچنین ایجاد روحیه‌ی شاداب و عملکرد مثبت در شاگردم راهکارهایی به آن‌ها ارائه کنم.

مثبت‌اندیشی

نوع نگرش والدین در نتیجه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثر قطعی دارد. اگر حمایت و پشتیبانی و نحوه‌ی نظارت اولیا بر روند تربیتی - آموزشی فرزندان با کلام مثبت و نگرشی به دور از یأس و ناامیدی همراه باشد، ناخودآگاه روحیه‌ی سرزندگی، تلاش و اشتیاق و خودپنداره‌ی مثبت را در فرزندان تقویت می‌کند. نوع نگرش والدین در ارتباط با یکدیگر در ارتقای توانایی و منطق فرزند برای حل چالش‌ها و مشکلات اثرگذار است. برای مثال، اگر فرزند در رابطه‌ی بین پدر و مادر خود محبت و احترام را نشنود و نبیند، به شخصیتی خشن، کم‌حوصله و گوشه‌گیر تبدیل می‌شود.

اصلاح نحوه‌ی برخورد والدین با رفتارهای فرزند

برای اینکه رفتار فرزند اثرات آموزشی

و تربیتی خود را حفظ کند، لازم است والدین در خصوص زحمات فرزند واکنشی مطلوب بروز دهند تا او همیشه از انجام فعالیت‌های مثبت خویش (کمک به دوستان در فعالیت‌های آموزشی، دوستی با هم‌سالان) لذت ببرد؛ ضمن آنکه ضعف و اشتباهات احتمالی را نیز در نظر بگیرند. برای مثال، در زنگ هنر دستان دانش‌آموزم آغشته به رنگ گواش و مقنعه و روپوش او رنگی شد.

دانش‌آموزم از شدت ترس از تنبیه والدین شروع به جیغ و فریاد و کتک زدن خودش کرد. توصیه می‌کنم، شایسته است والدین به جای به کار بردن شیوه‌های تنبیه‌ی راهکارهایی برای بهتر انجام دادن فعالیت و رفع مشکل ارائه دهند، زیرا آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، عزت نفس و سلامت روان فرزند است.

در طی چند جلسه که با اولیای شاگردم داشتم، موفق شدم با ارزش‌گذاری و تأثیر نقش والدین بر تحصیل فرزند، به تدریج و تا حدودی دیدگاه آن‌ها را نسبت به آموزش کسب مهارت شاگردم تغییر دهم.

سخن آخر

من به این نتیجه رسیدم که برای اینکه بتوانم به برخی دانش‌آموزانم کمک کنم، ابتدا باید به والدین آن‌ها یاری دهم و افکار و دیدگاه آنان را اصلاح کنم. برای ارتقا و پیشرفت فرزندان، نخستین پله‌ی پرواز، پدران و مادران بافضیلت هستند. والدین فرهیخته فرزندان با نشاط، متدین و مسئولیت‌پذیر بار می‌آورند. لذا آینده‌ی دانش‌آموز موفق به فرهنگ و دیدگاه خانواده در درجه‌ی اول و اجتماع در مرحله‌ی بعدی بستگی دارد. ■

یکدیگر و سپس چگونگی ارتباط آن‌ها با فرزندشان پرسیدم. مادر از موقعیت خانوادگی و ارتباط خود با فرزندش چنین گفت: «به خاطر شرایط سخت اقتصادی، دوست ندارم دخترم در انجام تکالیف و فعالیت‌های مدرسه دچار خطا و اشتباهی بشود و در صورت مشاهده‌ی هرگونه اشتباهی، به شدت تنبیهش می‌کنم تا دوباره تکرار نکند. دوست ندارم دخترم وقت و انرژی و معلومات خود را صرف کمک به دوستانش کند چرا که می‌ترسم دوستانش از او جلو بزنند و او عقب بماند.» در آخر هم گفت: «پدرش چندان با تحصیل و مدرسه رفتن دخترش موافق نیست، زیرا معتقد است درس و مدرسه او را به جایی نمی‌رساند و هر روز به او تلقین می‌کند عاقبت درس و مدرسه پوچی است و فایده‌ای برای او نخواهد داشت.»

از این جلسه نتیجه گرفتم مشکل شاگردم منفی‌نگری و رفتارهای غلط پدر و مادرش است. رفتارهای آن‌ها باعث



معلمی که از ساعت عبور می‌کند

توقفی کوتاه در يك کلاس درس چندپایه

در شماره‌های قبل درباره‌ی اینکه معلمان در کلاس‌های چندپایه چگونه تدریس می‌کنند به صورت مختصر صحبت کردیم. این بار در ادامه‌ی همان مبحث سری زدیم به یکی از مدارس چندپایه در منطقه‌ای به نام تبادکان از توابع مشهد در استان خراسان رضوی.

آشنایی مختصر

مرکب از پایه‌های اول، پنجم و ششم است، مسئولیت مدیریت و تدریس در پایه‌های دوم، سوم و چهارم را هم برعهده بگیرد.

آنچه دیدم

کلاس آقای برادران یک کلاس ترکیبی واقعی است. برنامه‌ی کلاسی هر پایه به صورت جداگانه روی دیوار نصب شده است، اما آقای برادران می‌داند که این جدایی شاید در کتاب‌ها، یا برای بچه‌ها معنادار باشد. برای معلم چندپایه، یک روز کاری و یک ساعت آموزشی، در مدیریت هم‌زمان همه‌ی دانش‌آموزان و تدریس تو در توی همه‌ی کتاب‌ها مفهوم واقعی خود را نشان می‌دهد.

تا من چشمی بر در و دیوار کلاس بچرخانم و از گل‌ها و گیاهان کنار پنجره و جعبه‌های کوچک ابزار آموزش ریاضی و کمد وسایل علوم تصویری به حافظه‌ام بفرستم، آقای برادران بدون اتلاف وقت کارش را شروع کرده است.

ابتدا روی تخته سؤالاتی از درس هدیه‌های آسمانی برای دانش‌آموزان کلاس پنجم می‌نویسد تا از کیفیت

سال‌هاست بسیاری از معلمان خراسان رضوی آقای محمد برادران را، با سابقه‌ای بیست ساله در کلاس‌های چندپایه، در کسوت مدرس ضمن خدمت می‌شناسند. برخی هم که کتاب‌های «روش آموزش املا در دبستان» با ۳۰ پیشنهاد خلاقانه، یا «روش تدریس ریاضی اول ابتدایی» وی به دستشان رسیده است، ایشان را به عنوان معلمی مؤلف قبول دارند. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان هم با عنوان استاد خطابش می‌کنند. دوستان نزدیکش او را آقای دکتر صدا می‌زنند، چون در رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی دارد تحصیلات تکمیلی‌اش را طی می‌کند، اما هفت هشت سال است که ایشان برای اهالی روستای شهید شعبانی آقای مدیر است و برای نیمی از جمعیت سی نفره‌ی مدرسه‌ی شهید شعبانی آموزگار.

صبح روز چهارشنبه از هفته‌ی سوم مهر ماه با لبخند آغاز می‌شود. این در شرایطی است که تنها همکار آقای برادران، برای خدمت به محل دیگری اعزام شده و تا آمدن آموزگار جدید، مدیر آموزگار مدرسه باید، علاوه بر کلاس خودش که

آموخته‌های قبلی آن‌ها مطمئن شود. البته آن‌ها هنوز برگه‌هایشان را هم آماده نکرده‌اند. در این فاصله، کلاس اولی‌ها کتاب فارسی‌شان را در می‌آورند، دفتر و جامدادی‌هایشان را روی میز می‌چینند و مدادهایشان را می‌تراشند. آقای برادران به سرعت کتابی را از روی میز یکی از بچه‌ها برمی‌دارد، صفحاتی را نشان می‌دهد و می‌خواهد تا وقتی که به سراغشان می‌آید، صامت‌خوانی کنند. دانش‌آموز ششمی هم دارد کتاب ریاضی‌اش را ورق می‌زند که آقای برادران به صفحه‌ای اشاره می‌کند تا تمرین مربوط به آن را حل کند. سرم را که برمی‌گردانم، او به کلاس دیگر رفته است و دارد روی تخته، جدول T ماندنی را برای فعالیت آموزش املا رسم می‌کند. در یک سمت آن می‌نویسد نشانه‌ی اول و در سمت دیگر نشانه‌ی

او به سراغ کلاس اولی‌ها
می‌رود که به اندازه‌ی
کافی به تصاویر کتاب نگاه
کرده‌اند و صامت‌خوانی‌شان
تمام شده است. حالا نوبت
این است که دستشان را زیر
کلمات نوشته‌شده‌ی تصاویر
کوچک کتاب در صفحه‌ی
۱۶ فارسی بگذارند و با
صدای بلند، کلمه‌ی مربوطه
را بگویند. آن‌ها پاسخ
می‌دهند و آقای برادران
درستی خواندن آن‌ها را
تأیید یا اشتباهاتشان را
تصحیح می‌کند



در صفحه را برای هم تعریف کنند. دوباره به سمت دانش‌آموز ششمی برمی‌گردد تا موضوع بخش‌پذیری بر عدد ۹ را به او تدریس کند. این تدریس تک نفره، با توجه به آمادگی و همراهی خوبی که دانش‌آموز از خودش نشان می‌دهد، کمتر از ده دقیقه طول می‌کشد. حالا اولی‌ها داستانشان را برای آقای برادران هم تعریف می‌کنند. بعد از کمی گفت‌وگو، آن‌ها با خوش‌حالی کتاب‌هایشان را می‌بندند و وسایلشان را از روی میز جمع می‌کنند تا برای زنگ تفریح به حیاط بروند.

آقای برادران به کلاس مجاور سرکشی می‌کند تا از وضعیت فعالیت آن‌ها مطلع شود. ستون‌های خالی حالا تا حدودی پر شده‌اند و دانش‌آموزان، برخی به حالت ایستاده و برخی نشسته، به دقت دارند

چند پرسش و پاسخ دیگر، از صحیح بودن روند حل مسئله خاطر جمع می‌شود. تا دانش‌آموز مسئله‌ی بعدی را حل کند، او به سراغ کلاس اولی‌ها می‌رود که به اندازه‌ی کافی به تصاویر کتاب نگاه کرده‌اند و صامت‌خوانی‌شان تمام شده است. حالا نوبت این است که دستشان را زیر کلمات نوشته‌شده‌ی تصاویر کوچک کتاب در صفحه‌ی ۱۶ فارسی بگذارند و با صدای بلند، کلمه‌ی مربوطه را بگویند. آن‌ها پاسخ می‌دهند و آقای برادران درستی خواندن آن‌ها را تأیید یا اشتباهاتشان را تصحیح می‌کند. این کار حدود ۱۰ دقیقه طول می‌کشد. دانش‌آموزان پنجمی چنان غرق پاسخ‌گویی به آزمونشان هستند که گویی صدایی را نمی‌شنوند. آقای برادران از پایه اولی‌ها می‌خواهد حالا به صفحه‌ی ۱۷ بروند و داستان چهار تصویر مندرج

آخر. همان طور که می‌نویسد، برای بچه‌ها توضیح می‌دهد: ببینید بچه‌ها، در ستون نشانه‌ی اول، توی درس فارسی امروزتان کلماتی را ببابید که نشانه‌ی اول آن‌ها شبیه هم است، مانند سلام و سفید. در ستون نشانه‌ی آخر هم آن کلمه‌هایی را از درس بنویسید که نشانه‌ی آخر آن‌ها شبیه هم است، مانند احوال‌پرسی و خیلی از دانش‌آموزان چهارمی هم می‌خواهد به پایه‌های سوم و دوم کمک کنند تا اگر اشکالی دارند برطرف شود.

یادم رفت به ساعت نگاه کنم. اما به‌نظرم رسید که در کمتر از ده دقیقه همه‌ی بچه‌ها درگیر فعالیت‌های درسی‌شان شدند. آقای برادران به دانش‌آموز ششمی نزدیک می‌شود و از او می‌پرسد که در حل مسئله به کجا رسیده است؟ دانش‌آموز پاسخ می‌دهد و آقای برادران با

سه قسمت تقسیم شود: اول مقدمه‌چینی برای درس جدید، که نامش را فعالیت‌های زمینه‌ساز آموزش می‌گذارد. این را که می‌گوید، یاد بخشی به نام فعالیت در کتاب‌های ریاضی می‌افتم که دقیقاً با هدف آماده‌سازی دانش‌آموز برای ورود به یادگیری جدید طراحی شده است. بخش دوم آموزش درس جدید است و قسمت سوم بخشی است که وی با عنوان فعالیت‌های بسطی-امتدادی از آن یاد می‌کند و شامل ارزشیابی از درس و تکالیف گوناگون می‌شود. به نظر آقای برادران، هنر معلم چندپایه توزیع این سه بخش در برنامه‌ی هفتگی است، به‌نحوی که ضمن ایجاد پیوستگی در یادگیری، بتوان به‌صورت هم‌زمان چندپایه را در یک ساعت آموزشی مدیریت کرد. او مثال می‌زند که من روز شنبه مواردی از هدیه را برای دانش‌آموزان پنجم تدریس کردم و امروز که چهارشنبه است، برای سنجش یادگیری بچه‌ها، این آزمون مدادکاغذی را ساختم. بچه‌های کلاس اولی هم امروز درگیر فعالیت بسطی امتدادی بودند و چیزهایی را که در جلسه‌ی قبل به آن‌ها تدریس شده بود، به تنهایی و با کمک هم‌سالان خود مرور می‌کردند. امروز من به دانش‌آموز کلاس ششمی درس جدید از ریاضی را با کمک خودش تدریس کردم.

و یک خداحافظی بی‌سرو صدا

می‌توانستم با آقای برادران در مدرسه‌اش گفت‌وگوی مفصل‌تری داشته باشم، اما ترجیح دادم بیشتر از آنکه بخواهم بشنوم تا بنویسم، آنچه را که دیده‌ام بازتاب بدهم. شاید به این ترتیب در نظام مدرسه‌ای که واقعاً ارزش هر ثانیه‌اش طلاست و آموزگارش در ساعات تفریح با بررسی تعدادی از تکالیف جامانده از کلاس تفریح می‌کند، اختلالی ایجاد نکرده باشم! ■



انجام شده‌اند و حالا همه می‌توانند برای استراحتی کوتاه کلاس را ترک کنند.

آنچه شنیدم

در فاصله‌ای که برای گفت‌وگو ایجاد می‌شود، اولین پرسشی که به ذهنم می‌رسد، دغدغه‌ی دوست چندپایه‌ی تازه‌کارم است که می‌گفت هنگام تدریس در کلاس چندپایه، نمی‌دانم اول از کجا شروع کنم. همه‌ی دانش‌آموزان توقع دارند اول به آن‌ها تدریس و رسیدگی بشود. وقتی این را مطرح می‌کنم، آقای برادران پاسخ جالبی می‌دهد: معلم چندپایه باید قبل از هر چیز به محتوای کتاب‌های درسی پایه‌هایی که دارد آشنا و تا حدودی مسلط باشد. او باید علاوه بر اینکه مدرس خوبی هست، طراح آموزشی توانمندی هم باشد. یعنی فرایند تدریسش را طوری طراحی کند که به‌صورت هم‌زمان بتواند به ابعاد مهم محتوا و همه‌ی دانش‌آموزان رسیدگی کند.

به نظر آقای برادران یک درس می‌تواند به

در کتاب فارسی خط‌به‌خط و کلمه‌به‌کلمه جست‌وجو می‌کنند. کلاس چهارمی‌ها سریع‌تر کارشان را انجام داده‌اند و نمونه‌های بیشتری یافته‌اند، اما دومی‌ها تعداد کلمات خیلی کمتری نوشته‌اند. آموزگار چند تذکر به انتخاب‌های اشتباه بچه‌ها می‌دهد و بچه‌ها هم می‌خندند و هم قبول می‌کنند. آقای برادران باید دوباره به کلاس خودش برگردد تا پایان زمان آزمون را به کلاس پنجمی‌ها اعلام کند. بچه‌ها برگه‌های جوابشان را پای میز معلم می‌آورند. او هر برگه را بررسی و پاسخ‌های اشتباه را مشخص می‌کند. آن‌ها باید دوباره سرمیزشان برگردند و کتاب هدیه‌شان را برای یافتن جواب‌های درست باز کنند. قبل از آن، آقای برادران به دانش‌آموز ششمی گفته است که به‌صورت تصادفی چند عدد دو رقمی بنویسد و بخش‌پذیری آن‌ها را بر عدد ۹ بیازماید. حالا دانش‌آموز ششمی تعدادی از تمرین‌هایی را که حل کرده است نشان می‌دهد تا آموزگار درستی آن‌ها را بررسی کند. ده دقیقه‌ی بعد همه‌ی این کارها



نام کتاب: اخلاق حرفه‌ای در مدرسه
نویسندگان: احد فرامرز قراملکی، زینب برخوردار، فائزه موحدی
ناشر: مؤسسه‌ی خبریه‌ی آموزشی فرهنگی شهید مهدوی
سال چاپ: دوم، ۱۳۹۵
قیمت: ۱۸۵۰۰۰ ریال
تلفن ناشر: ۰۲۱-۲۲۴۳۵۵۵۰

اخلاق حرفه‌ای در مدرسه

دو واژه‌ی حرفه و شغل گاهی به صورت مترادف به کار می‌روند، اما در رویکرد دقیق، این دو واژه دو مفهوم متمایز دارند.

حرفه‌گرایی رمز ماندگاری حرفه‌ای‌ها و زمینه‌ی توسعه کشورهاست. حرفه‌گرایی در معلمی از طریق تأکید روشمند و نه شعاری بر اثربخشی کار معلمی، بهره‌وری آموزش و کیفیت تربیت می‌تواند انسان‌های حرفه‌ای برای جامعه تربیت کند. معلمی از دیرزمان هویت و شأن حرفه‌ای یافته و مهم‌ترین تهدید و آسیب در امر معلمی، از بین رفتن شأن حرفه‌ای اوست و حفظ شأن معلمی که مهم‌ترین مسئولیت مدیران هر جامعه است، در گرو آگاهی از مؤلفه‌های آن است.

کتاب اخلاق حرفه‌ای در مدرسه سعی دارد به شناخت و تحلیل حقوق تمامی صاحبان حق در بیرون و درون محیط آموزشی مدرسه بپردازد و مسئولیت طرفین را که مهم‌ترین بخش اخلاق حرفه‌ای آنان است، روشن کند. نویسنده در فصل‌های اول و دوم مفهوم آموزش و پرورش و تعریف معلمی از دو دیدگاه شغل و حرفه را بیان کرده است. آن‌گاه در فصل‌های بعدی به تشریح مرام اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای در تعلیم و تربیت و مسئولیت‌های اخلاقی تمامی افراد مدرسه در قبال یکدیگر پرداخته است.

فلسفه در کلاس درس

برنامه‌ی درسی جاری در بسیاری از مدارس رسمیت را جایگزین پرورش خلاق اندیشه کرده است و آغاز یا پایانی قاطع را برای دانش‌آموزان معین می‌کند. در این میان اما برنامه‌ی فلسفه برای کودکان است که شرایط را برای فراهم آوردن فرصتی در اندیشه‌ورزی در دبستان مهیا می‌کند.

ویژگی فلسفه و جریان اندیشه‌ورزی تأمل در بنیاد هر مسئله‌ای است. از این رو می‌توان در خصوص هر مطلبی همچون زمان، طبیعت، روابط انسانی، تاریخ و نظایر آن‌ها به تأمل فلسفی پرداخت.

در کتاب «فلسفه در کلاس درس» مؤلف به دنبال بهبود بخشیدن مهارت‌های فکری دانش‌آموزان از طریق تشویق آنان به شرکت در بحث‌ها و موضوعات مزبور است.

پیش‌زمینه‌ی آموزش فلسفه به کودکان

گفته می‌شود، فلسفه منبعی بی‌نظیر از انگیزش است. کودکان کنجکوند و درباره‌ی جهان شگفت‌زدگی زیادی از خود نشان می‌دهند. نویسندگان این کتاب در جست‌وجوی آن‌اند که شگفتی کودکان را برانگیزند و یاری‌شان کنند. دیدگاه‌هایشان را تدوین و بیان کنند. منحصربه‌فرد بودن تجربه‌ی هر کودک است که بحث‌های فلسفی را پر بار می‌کند و کتاب فلسفه در کلاس درس بر آن است که توانایی‌های استدلال دانش‌آموزان را بهبود بخشد. کتاب حاضر طی مقدمه و ۱۵ موضوع، مضمون‌هایی کلیدی از جمله شادی، درد، غرور و نیکی را همراه با داستان‌های کوتاه اخلاقی و پندآموز، مبنایی برای بحث‌های فلسفی کلاس قرار داده است. مؤلف پس از هر داستان سؤال‌هایی تأمل‌برانگیز درباره‌ی موضوع طرح کرده است. بحث درباره‌ی آن موضوعات باعث پرورش مهارت‌های فکری و نیز یادگیری حکمت اخلاقی و عملی در دانش‌آموزان می‌شود.



نام کتاب: فلسفه در کلاس درس
مترجم: مرادیاری دهنوی، روح‌الله حیدری
مؤلف: رون شاو
ناشر: آوای نور، ۱۳۹۴
تلفن ناشر: ۰۲۱-۶۶۹۶۷۳۵۵-۶

تجربه

يك روز خوب و به یادماندنی با شاگردانم در چغازنبیل

شاید به جرئت بتوان گفت خوزستان یکی از مناطق چهارقطبی کشور ایران است که نوع آب و هوا، محصولات، زمین، کشت و اقوام در چهارسوی آن متفاوت است. یکی از جاذبه‌های خوزستان قطب تاریخی آن است که «شوش» و «چغازنبیل» با قدمتی پنج‌هزار ساله جزئی از آن هستند. به‌عنوان معلم پایه‌ی چهارم، بسیار خوش‌حالم که در کتاب مطالعات اجتماعی به این اثر باستانی و زندگی یکی از قدیمی‌ترین اقوام ایران اشاره شده است. از زمانی که کتاب تغییر کرده است، هر ساله در جلسه‌ی دیدار با اولیا گردشی علمی - تفریحی را به آنان پیشنهاد می‌دهم و حتی دعوت می‌کنم در صورت تمایل با من و فرزندان‌شان همراه شوند. جالب است بدانید، یکی از اولیا در سایت مجازی خود گردش ما را بهترین گردش زندگی خود معرفی کرده بود که توانسته است علاوه بر بازدید از مکان چغازنبیل، از موزه‌ی شوش، کاخ آپادانا و کاخ داریوش نیز دیدن کند و بر اطلاعات تاریخی خود بیفزاید. در ادامه‌ی گردش در شهر شوش، به زیارت حضرت دانیال نبی (ع) هم می‌رویم و از آرامگاه دعبل خزایی، شاعر دوره‌ی حضرت امام رضا (ع)، هم دیدن می‌کنیم. هر سال در این روز آرزو می‌کنم ای کاش همه‌ی شاگردان کلاس چهارم میهنم بتوانند از این آثار باشکوه و تاریخی دیدن کنند و با گذشته‌ی اقوام ایران بهتر آشنا شوند.

در اینجا چند نمونه از آثار تاریخی چند شهر را مرور و به درس مرتبط با آن‌ها اشاره می‌کنم. البته می‌دانیم ما کشوری متمدن هستیم و تاریخی چند هزار ساله داریم و جای‌جای کشورمان پر از تاریخ است. خوب است همکاران عزیز من در هر نقطه از ایران از این موقعیت‌ها برای شناساندن هر چه بیشتر ایران و تاریخ پرافتخارمان استفاده کنند. استان همدان، شهر همدان: آثار شهر و تپه‌ی هگمتانه یا اکباتان در دوره‌ی مادها، مجسمه‌ی شیرسنگی، موزه‌ی هگمتانه و گنج‌نامه (درس ۱۱).

استان فارس، شهر مرودشت: آثار تخت جمشید، پایتخت هخامنشیان، آرامگاه کوروش، موزه‌ی تخت جمشید. شهر کازرون: غار شاپور، صحنه‌ی تسلیم شدن امپراتور روم به دست شاپور اول پادشاه ساسانی (درس‌های ۱۲ و ۱۳). استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه: طاق بستان؛ سنگ‌نگاره‌های تاج‌گذاری خسرو پرویز و شاهان ساسانی، بیستون، سنگ‌نگاره‌های مربوط به پیروزی داریوش بر مخالفانش.

همچنین همکاران پر تلاش من می‌توانند مجموعه‌ای از فرهنگ و هویت اصیل ایرانی را در تدریس یک درس کتاب فارسی، به‌طور مثال درس‌های آزاد ۸ و ۹، با ترتیب‌دادن نمایشگاه صنایع دستی و غذاها و لباس‌های محلی به‌صورت تلفیق برون‌رشته‌ای به دانش‌آموزان نشان بدهند تا ضمن داشتن روزی شاد، در مورد ایران بیاموزند و به هویت اصیل چند هزار ساله‌ی خود افتخار کنند.

تجربه صندلی صمیمیت همراه با خانواده‌ها

ما انسان‌ها هر آنچه داریم، یاد گرفته‌ایم و ساخته‌ایم، با الهام گرفتن از طبیعت خداوند است. وقتی رنگ‌های متفاوت کمان آسمانی را در کنار هم می‌بینیم، زیبایی آن را بهتر از زمانی درک می‌کنیم که رنگ‌ها را تک به تک می‌بینیم. فعالیت‌های متنوع کتاب فارسی نیز همین پیام را برای ما معلم‌ها و دانش‌آموزان دارند. یکی از این فعالیت‌ها قصه‌گویی و صندلی صمیمیت است. در سال تحصیلی گذشته، برای تشویق شاگردانم به رعایت نظم و انضباط در خانه و نیز برنامه‌ریزی و در نگاهی وسیع‌تر برای کاربرد و تمرین آموخته‌هایشان و کار روی ایجاد عادت‌های مطلوب و کارا، تصمیم تازه‌ای گرفتم. به این ترتیب که در جلسات دیدار با اولیا، از چند نفر از آن‌ها که احساس می‌کردند تغییراتی در رفتار و عملکرد فرزندان‌شان در جهت مثبت ایجاد شده است، خواستم روی صندلی بنشینند و به جای قصه‌گویی، درباره‌ی خصوصیات رفتاری دخترانشان صحبت کنند. البته لازم به ذکر است، همه‌ی بچه‌ها در این بخش از جلسه در کنار والدین‌شان حضور داشتند و شاهد گفتار ولی خود و بیان عملکردشان توسط آنان بودند، اما نمی‌دانستند صحبت در مورد آن‌هاست و ناگهان و به‌صورتی غیرمنتظره می‌فهمیدند که درباره‌ی آنان صحبت می‌شود. برای همین هر یک تلاش می‌کرد عملکرد بهتری داشته باشد تا شاید جلسه‌ی بعد او مورد بحث و تشویق قرار گیرد. به همین منظور، در اولین جلسه‌ی دیدار با اولیا موضوع را عنوان کردم. طرح مورد استقبال والدین قرار گرفت. در طول سال تحصیلی، بسیاری از اولیا از این فعالیت راضی و معتقد بودند این روند توانسته است بر عملکرد انضباطی، مدیریت زمان و بهبود رفتار بچه‌ها تأثیر مثبت بگذارد.

اکنون بسیار خوش‌حال هستم که توانستم از این فعالیت برای ارتقای بسیاری از خصوصیات خوب عملی و رفتاری شاگردانم در کلاس بهره‌مند شوم.



خاطره

درس آزاد با چاشنی شعر محلی و غافلگیری

در طول چند سال اخیر، محتوای کتاب‌های درسی دست‌خوش تغییر شده‌اند. یکی از نکات قابل توجه و نقطه‌ی قوت در برنامه‌ی درسی فارسی، در نظر گرفتن درس‌های آزاد است که باید توسط دانش‌آموزان در کلاس درس و از طریق هم‌یاری و هم‌افزایی اطلاعات و سواد علمی آنان تهیه شود. به این ترتیب، همه‌ی بچه‌ها به‌عنوان مؤلفان این درس در تولید آن سهیم می‌شوند. این کار گامی بزرگ به منظور خوداتکایی، افزایش اعتمادبه‌نفس و افزایش قدرت فراشناخت دانش‌آموزان است. اینجانب، آموزگار پایه‌ی چهارم، سعی می‌کنم هر سال برای تولید این درس‌ها از روش‌های متنوع مشارکتی و فعال استفاده کنم. امسال نیز وقتی به فصل «فرهنگ بومی» رسیدیم، به کمک بچه‌ها و براساس علاقه‌ی آنان، موضوع «شهر من ماهشهر» را انتخاب کردیم. براساس خرده موضوعاتی که در کلاس مطرح شدند، قرار شد هر گروه با اطلاعاتی که از راه‌های گوناگون (والدین، کتاب و اینترنت) جمع‌آوری می‌کند، مطلبی به کلاس ارائه دهد. از طرف دیگر با یکی از معاونان اجرایی آموزشگاه، سرکار خانم مرضیه طباطبایی، که همسر جانباز هستند و طبع شعر زیبای بومی دارند، هماهنگ کردم تا قطعه شعری را که درباره‌ی زادگاهشان ماهشهر سروده بودند، در کلاس برای بچه‌ها بخوانند. آن روز وقتی محتوای درس تولید و یک‌بار از روی آن قرائت شد، از بچه‌ها پرسیدم: آیا مایلید یک شعر زیبا در مورد ماهشهر به این متن اضافه کنیم؟ همه با شور و شوق پاسخ دادند: بله. در این هنگام، تلفن همراهم را در آوردم، شماره‌ی خانم طباطبایی را گرفتم و از ایشان دعوت کردم به کلاس بیایند. پس از ورود ایشان به کلاس و سلام و احوال‌پرسی، خانم طباطبایی شروع به خواندن شعر کردند. اینکه بچه‌ها از طبع شعری ایشان خبر نداشتند از یک‌سو و فضای طنزگونه‌ی شعر و خوانش آن با لهجه‌ی ماهشهری از سوی دیگر، باعث شد این شعر بسیار مورد توجه و تشویق بچه‌ها قرار بگیرد تا جایی که از من خواستند آن را روی تخته بنویسم. البته من از قبل تمهیدات تدریسم را آماده و شعر را تکثیر کرده بودم. بنابراین، توسط سرگروه‌ها آن را در اختیار بچه‌ها قرار دادم تا همراه خانم طباطبایی بخوانند.

هفته‌ی بعد در سر صف بچه‌های کلاس چهارم شعر «وای شهرم، وای شهرم، ماهشهر» را از حفظ و با صدای بلند خواندند و آن را به خانم طباطبایی و تمام بچه‌های ماهشهری مدرسه تقدیم کردند و این‌گونه از سرکار خانم طباطبایی تقدیر به عمل آمد. جالب اینجاست که خانواده‌ها با ارسال پیام از ما تشکر کردند و من هم به هدفم که برانگیختن حس عشق به خاک وطن بود رسیدم.

اگرچه انسان‌ها در هنگام تولد از هم‌سانی تقریبی برخوردارند، اما به تدریج با کوشش در آموختن، تفاوت‌های انسانی پدید می‌آید و در این صحنه آنکه بیشتر آموخت، احتمالاً خوشبخت‌تر زندگی خواهد کرد.

از روزگاران گذشته، آموزش کودکان دل‌مشغولی جوامع و والدین بوده و بدین دلیل، قسمت زیادی از کوشش‌های جوامع، صرف آموزش کودکان و نوجوانان و جوانان و بزرگسالان شده است. نوع آموزش در فرهنگ‌های گوناگون، با توجه به شرایط اقلیمی، اجتماعی، صنعتی، بازرگانی و از همه مهم‌تر جهان‌بینی‌های حاکم بر استقرار ارزش‌های گوناگون، با هم متفاوت است. اما همگی بر ضرورت و فایده‌ی آموزش برای کودکان تأکید دارند. ضرورت و فایده‌ی آموزش به‌ویژه در قرن بیستم و دهه‌های اخیر که به قرن «کودک‌سالاری» معروف شده، بسیار چشمگیر است. قصه‌های اخلاقی که ارزش‌ها را به صورتی غیرمستقیم در معرض دید کودک قرار می‌دهند و با نتیجه‌گیری خاص خود ارزش‌های موردنظر را به کودک القا می‌کنند، از زمره‌ی آموزش‌های ضروری اما غیرمستقیم هستند. محدوده‌ی آموزش کودک از طریق قصه‌ها به آموزش‌های اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه امکان آموزش‌های علمی از طریق قصه برای کودکان، نوجوانان و جوانان نیز موجود است.

کاربرد درمانی قصه

به‌طور کلی، حکایت و قصه در فرایند درمان عرصه‌ای را فراهم می‌آورد که مراجع یا مددجو می‌تواند قصه‌ی زندگی خودش را به آن فرا افکند و به مضمون قصه معنای واقعی ببخشد. قدرتمندترین سازوکاری که در اینجا عمل می‌کند، شاید «همانندسازی» باشد. به این معنی که مراجع خودش را در جایگاه و نقش شخصیت اصلی قصه قرار می‌دهد و سعی می‌کند آنچه را شخصیت داستان انجام داده یا از انجام آن سرباز زده است، تقلید کند. چنانچه قصه سربسته باشد و به اندازه‌ی مناسب مبهم باقی بماند، ممکن است مراجع فراق‌گنی کند و برای یافتن راه‌حل تعارض خاصی که در قصه نقل شده است تلاش کند.

شاید مهم‌ترین نقشی که قصه یا اسطوره در درمان ایفا می‌کند، همگانی و جهانی جلوه دادن مشکلاتی است که مراجع با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. بنابراین، مراجع احساس نمی‌کند تنهاست و مشکلش خاص، منحصر به فرد و غیرقابل حل است. این همان پدیده‌ای است که در فرایند گروه‌درمانی به خوبی شناخته شده و یکی از مزیت‌های گروه‌درمانی محسوب می‌شود، چرا که همواره همگانی دیدن مشکل و شریک شدن تجارب فردی یکی از عوامل درمانی بسیار مؤثر گزارش شده است.

حکایت یا قصه در وهله‌ی اول به مراجع می‌گوید که او تنها کسی نیست که این‌گونه مشکلات را تجربه کرده است و چنین احساسی

جادوی قصه و فواید آن نقش قصه در تعلیم و تربیت

بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها شنیدن و حتی چندبار شنیدن قصه را دوست دارند. قصه‌گویی هنر و فنی بسیار دیرینه است. ردپای آن را در روزگاری سراغ داریم که مردم نه سواد خواندن و نوشتن داشتند و نه توان خرید کتاب. از سرگرمی‌های امروز هم هیچ خبری نبود که نبود! کارگران خسته، در حین کار، با قصه‌ای فی‌البداهه خود را سرگرم می‌کردند. زنان دور هم جمع می‌شدند و با انجام کارهای گروهی قصه‌ای و متلی می‌گفتند و روزگار به سر می‌شد. اما این روزها جایگاه قصه و قصه‌گویی فرق کرده است. اهمیت دادن به این فن و راه‌های توسعه‌ی آن، حتی آموزش مهارت قصه‌گویی برای مربیان، آموزگاران و پدران و مادران، نشان از این تفاوت و رسالت دارد. امروزه مربیان ما متوجه تأثیرات ماندگار آموزش به شیوه‌ی غیرمستقیم هستند و گرایش آن‌ها به شیوه‌هایی که بتوان از آموزش مستقیم راهی به شیوه‌های نو برد، بیشتر شده است. دیگر زمان روش‌های سنتی که در آن معلم به شکل «دانای کل» جلوی بچه‌ها بایستد، گذشته است. اکنون معلمان ما به نقش و جایگاه وسایل کمک‌آموزشی و شیوه‌های آموزش خلاقانه و تجربی پی برده‌اند؛ شیوه‌هایی مانند: قصه، بازی، نمایش خلاق و... که تأثیرات آن به راحتی از ضمیر بچه‌ها پاک نخواهد شد. با توجه به کارکرد و جایگاه مهمی که قصه و قصه‌گویی در سیستم تعلیم و تربیت بچه‌ها دارد، در ادامه به‌طور مختصر به تعریف آن و فوایدش می‌پردازیم:

تأثیر قصه در تعلیم و تربیت

قصه‌ها و افسانه‌ها علاوه بر قصد سرگرمی، اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌کنند که آموزش از طریق قصه و قصه‌گویی یکی از این اهداف است.

انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی از بدو تولد ملزم به آموختن است. در واقع انسان موجودی است آموخته که در طول زندگی از راه‌هایی مستقیم یا غیرمستقیم آموزش می‌بیند. آموزش‌های انسانی از بدو تولد آغاز می‌شوند و تا هنگام مرگ ادامه می‌یابند.



دارد، بلکه دیگران هم قبل از او چنین مشکلاتی داشته‌اند. فهم این نکته غالباً درد و ناراحتی را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد و به فرد کمک می‌کند همانند دیگران برای یافتن راه‌حلی برای مشکل خود بکوشد. به‌طور کلی، قصه و تمثیل چهار قلمرو از وجود انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند:

۱. **شناختی:** توانایی قصه در انتقال دانش و کمک به فرایند حل مسئله

۲. **عاطفی:** قصه باعث پالایش عاطفی - هیجانی و امیدآفرینی می‌شود.

۳. **بین‌فردی:** قصه باعث ایجاد و خلق پیوستگی و رابطه‌ی انسانی - اجتماعی افراد با یکدیگر می‌شود: «من تنها نیستم. کسان دیگری نیز با مشکلی مثل مشکل من سروکار دارند.» (پیوند اجتماعی).

۴. **شخصی:** قصه باعث بصیرت و بینش می‌شود، چرا که فرد خودش و مسائل مبتلا به زندگی‌اش را در روایت دیگران ملاحظه و مشاهده می‌کند و به درک بهتری از خود و مشکلش می‌رسد.

نتیجه‌گیری

قصه‌ها و روش بیان آن‌ها (قصه‌گویی) از راه‌های مهم نفوذ در دانش‌آموزان و جذب آن‌ها به سمت پیام و محتوای آموزشی است. گاهی این کشش به سوی خود معلم (قصه‌گو) است و بچه‌ها او را بسیار دوست دارند و رابطه‌ی صمیمی آن‌ها وسیله‌ای می‌شود برای انتقال بهتر پیام قصه و بازسازی شناختی که توسط قصه صورت می‌گیرد. اگر این پل ارتباطی بین مخاطب و قصه‌گو شکل گرفت، هر آنچه هدف قصه‌گو یا مربی است، در خلال داستان و کشمکش بین شخصیت‌ها یا نقش قهرمان قصه به کودک یا نوجوان انتقال پیدا می‌کند. در دنیای رنگارنگ قصه‌گویی، آن‌قدر قصه‌های متنوع با مضامین بی‌شمار اخلاقی یا صرفاً برای سرگرمی و خنده موجود است که می‌توان به راحتی برای اصلاح یا آموزش هر رفتار و نکته‌ای در کودک به قصه‌ها و راز و رمزهای آن‌ها متوسل شد.

قصه‌گویی پرانرژی ظاهر می‌شود و در واقع با توجهی که نشان می‌داد و سؤال‌هایی که می‌پرسید، انرژی بیشتری به کلاس می‌داد. ولی آن روز نیامد و من نگرانش شدم چون چند ساعت قبل مادرش تماس گرفته و ساعت دقیق شروع کلاس را پرسیده بود.

بعد از پایان کلاس با مادرش تماس گرفتیم. پدرش گوشه‌ای را جواب داد و متوجه شدم آن‌ها تصادف کرده‌اند و پریا و مادرش در

قصه‌ی «مار سبده‌ی» که در ادامه می‌خوانید، نمونه‌ای است از کاربرد درمانی قصه با رویکرد رفتاری - شناختی، از دختر بچه‌ای که از تصادف جان سالم به در برده، اما هنوز اثرات آن سانحه در او به‌صورت نشانه‌هایی از تاریکی پا برجاست.

روایت یک قصه درمانی ساده

آن روز برنامه‌ی قصه‌گویی من یک غایب داشت. پریا در برنامه‌های

مار سبدي



بیمارستان بستری هستند.

خودم را به بیمارستان رساندم. پریا با سر و صورتی باندپیچی شده روی تخت بیمارستان بود. اما به هوش بود و می‌توانست حرف بزند. حالش را پرسیدم.

پریا با صدای شبیه ناله گفت: «خاله! همه‌جا تاریکه. خواب وحشتناکی بود! هنوزم خواب می‌بینم که ...»

شاید حق داشت همه‌جا را تاریک ببیند. ورم و کبودی چشم‌ها و شکستگی بینی و گونه‌ها، مانع از دیدن واضح او می‌شد. اما نه، از روزنه‌ی چشمش مرا می‌دید، پس چرا این همه از تاریکی حرف می‌زد؟ از مقایسه‌ی پریای شاد و پرهیجان، با این چیزی که حالا می‌دیدم، ناراحت شدم. به آرامی روی صندلی کنار تختش نشستم. با صدای آرامی به او گفتم: «چی شده پریای قصه‌ها؟»

- خاله سناز خواب بودم، نکنه دوباره اتفاق بیفته؟! - خواب؟! -

- آره. دوست مامانم - خاله عروسه - داشت تو ماشین باهام حرف می‌زد که انگار خواهم برد! یدفعه با صدای فریاد مامان که داد زد «محکم بشین!» از خواب پریدم. ناگهان همه‌جا تاریک شد! فکر می‌کردم دارم خواب می‌بینم. تو بیمارستانم که بیدار شدم، همه‌جا تاریک بود. هنوز هم همه‌جا تاریکه! آخه چرا؟! نکنه دوباره اتفاق بیفته!

پریا دچار ترس از تاریکی شده بود و برای همین با وجود سلامت چشم‌هایش از تاریکی می‌ترسید.

فردای آن روز، بعد از اتمام کارهایم، به بیمارستان رفتم. به پدرش گفتم: «حالا دیگه فقط پریا قصه نمی‌خواد، منم می‌خوام. اون خیلی از تاریکی رنج می‌بره و شاید بشه درمانش کرد و کابوس‌های شبانه‌اش رو کم کرد.»

مامان پریا خواب بود. پریا به محض آگاه شدن از حضور من، از خوش حالی گفت: «خاله دبروز قصه نگفتی!»

- آخه هنوز خانم کوچولو به خونشون نرسیده بود.

- خانم کوچولو دیگه کیه؟! اینجا تاریکه و کسی نیست.

- حق داری، آخه تو هم توی شکم ماری!

نه! من تو بیمارستانم.

- مگه نمی‌دونی؟ این بیمارستان رو یه مار بزرگ بلعیده! به همین دلیل که همه‌جا تاریک شده!

- مار چی؟

- گوش کن تا قصه‌اش را برات بگم ...

کنار تختش نشستم و با نوازش موهایش شروع به گفتن قصه کردم ...

مار بزرگی بود که مثل آدم‌ها قلقلکی بود و تا بهش دست می‌زدن به حرکت می‌افتاد و پیچ و تاب می‌خورد. خانم کوچولو اول به فکر تاریکی افتاد که باید هر چه زودتر از شرش خلاص می‌شد، بعد به خودش گفت، نکنه ماری که منو بلعیده، مثل مار قصه‌ی مامانم، قلقلکی باشه؟ اگه باشه چقدر خویه! بازم با خودش گفت، وقتی اون بخنده، دهنش باز می‌شه و نور میاد داخل شکمش. اون وقت من می‌بینم کجا هستم و به کدوم سمت باید فرار کنم. دست به کار شد. شروع کرد به قلقلک دادن مار. مار بوأ واقعا قلقلکی بود. از خنده دور خودش می‌پیچید. دهنش تا آخر باز شد. خانم کوچولو با نوری که تابید، تازه فهمید کجای شکم مار گیر افتاده، سبدش رو برداشت و خودش رو به سمت نور بالا کشید... به دندونای مار رسید. بازم قلقلکش داد. تا دید دهن مار باز شده، سبد رو لای دندونا گذاشت تا دهن بسته نشه، اما برای این کار راهی جز خالی کردن سبد و ریختن قارچ‌ها تو شکم مار نداشت. برگشت و نگاهی به قارچ‌ها انداخت و بعد، از لای دندونای مار، خودش رو پرت کرد بیرون. مار سبد به دهن یه گوشه افتاده بود.

پریا لبخند زد.

خانم کوچولو از تلاشی که کرده بود خیلی خوش حال شد و مدام با خودش می‌گفت بالاخره نجات پیدا کردم! از اونجا که بیرون اومد، اول فرار کرد. بعد یاد مامانش افتاد که باید براش قارچ می‌چید. پاورچین پاورچین به سمت قارچ‌ها رفت، اما سبد که نداشت! قارچ‌ها را ریخت تو دامنش و رفت به سمت خونه. تو راه فکر می‌کرد به مامانم چطور بگم سبد ندارم. یه قصه‌ای ساخت و گفت، بهش می‌گم من که تو جنگل بودم، رفتم تو شهر تاریکی، سبدم رو تو شهر جا گذاشتم، از بس که تاریک بود و چشمم نمی‌دید، از اونجا پریدم تو شهر نور و خورشید.

قصه که تمام شد، موقع خداحافظی پریا گفت: «روزی که من نیومدم این قصه رو واسه بچه‌ها گفتین؟»

– نه! اونا که تو شهر تاریکی گیر نیفتاده بودن!

– پس خاله، بگذار خوب بشم و از این تاریکی بیام بیرون، همین قصه رو واسه بچه‌ها تعریف می‌کنم.

دو روز بعد، پدر پریا تماس گرفت و با خوش حالی گفت: «من واقعا از شما ممنونم. نمی‌دونم چه اتفاقی افتاده که پریا دیگه از تاریکی حرف نمی‌زنه. برخلاف گذشته، هر روز صبحانه‌اش رو کامل می‌خوره، کابوس‌های شبانه‌اش کمتر شده، به حرف‌های دکترش گوش می‌ده، دیگه واسه خوردن داروهاش گریه نمی‌کنه و کبودی و ورم صورتش بهتر شده. و من هنوز منتظرم پریای قصه‌ی من خوب بشه و قصه‌ی فرار از تاریکی رو برای بچه‌ها تعریف کنه.



– یه خانم کوچولویی رفته بود جنگل قارچ بچینه. یه مار بوأی بزرگ پشت بوته‌ها بود. از گرسنگی چنان بوی غذا به مشامش رسید که تا خانم کوچولو به خودش بیاد، حمله کرد و اونو بلعید. وقتی خانم کوچولو چشم باز کرد، تو شکم مار بود! همه جا تاریک بود. خیلی ترسیده بود. صداها‌ی عجیب و غریبی از شکم مار می‌اومد. با خودش گفت: اگه خودم رو نجات ندم، این مار منو هضم می‌کنه و مادرم که منتظر قارچ‌هاست، کلی غصه می‌خوره. کاش تو این تاریکی خنجر می‌داشتی و شکمش رو پاره می‌کردم و خودم رو نجات می‌دادم، اما افسوس که به جز یه سبدی که چند تا قارچ داشت، چیزی دیگه‌ای نداشت. با این فکرها خانم کوچولو گریه‌اش گرفت، اما دید با گریه که کاری درست نمی‌شه، اینه که یاد قصه‌ای افتاد که مامانش براش تعریف کرده بود. قصه‌ی مامانش قصه‌ی

خط، رنگ و معنا بر دیوار مدارس

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود. در همین زمینه پیشنهاد کردیم در قالب مسابقه‌ای شما می‌توانید از دیوار نوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. تعداد زیادی از مدیران و آموزگاران مدارس از این طرح استقبال کردند. برندگان این مسابقه در شماره‌ی قبل معرفی شدند. اما تصمیم گرفتیم، بقیه‌ی تصاویر را نیز تا پایان دوره، در هر شماره چاپ کنیم. امیدواریم منشأ الهام مابقی مدارس برای داشتن مدرسه‌ای زیباتر شود. چاپ این عکس‌ها به معنای برنده شدن نیست.



دبستان شهید لزومی روستای وامرزان / شهرستان دامغان



دبستان شهید مدنی ۲ / سهند، آذربایجان شرقی



دبستان شهید گذری / مشهد ناحیه ۷



دبستان دخترانه‌ی کمال / شهرستان بابل / استان مازندران



دبستان شهید عسگری / بهشهر



دبستان شهید بهشتی شاهد / منطقه‌ی ۱۳



دبستان گیو / منطقه ۶ تهران



دبستان فرهنگیان حضرت معصومه (س) / استان اصفهان



دبستان عدل دانشگاه اصفهان / شهرستان اصفهان



دبستان شهید علیجانی / شهر دماوند



دبستان فرهنگ / منطقه ۹

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید، مطالبی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گیرد که حائز شرایطی باشد که در صفحه‌ی ۴۷ درج شده است.

۱۱ مقایسه شیوه‌ی ارزشیابی سنتی با شیوه ارزشیابی کیفی توصیفی»

۱۲ حمیدرضا ایلکا؛ مدیر دبستان - استان مازندران، شهرستان قائم‌شهر

۱۳ «بخش‌پذیری (تقسیم) اعداد فرد بر ۲ در دوره‌ی ابتدایی» سید طاهر سیدی نظرلو، سیده زکبه طبسی؛

آموزگار - استان آذربایجان شرقی، منطقه تسوج «چگونه توانستم مهارت املا نوشتن دانش‌آموزان کلاس

پنجم را تقویت کنم؟» ۱۴ حسن شهبازی، شیوا صادقیان؛ آموزگار - کرمانشاه

«اهداف و انتظارات آموزشی جدید، از منظر نظام آموزشی، برنامه درسی و فرایند یاددهی-یادگیری»، «آداب و وظایف

معلم نسبت به شاگرد از منظر اسلام (شهید ثانی)» ۱۵ شیوا صادقیان؛ آموزگار - کرمانشاه

«تقویت مهارت‌های چهارگانه زبان‌آموزی به‌عنوان پیش‌نیاز آموزش انشا در دوره دبستان»

۱۶ سیده بنین هاشمی تروجنی؛ آموزگار - استان مازندران، شهر بهشهر

«خاطره» ۱۷ ابراهیم رحیمی؛ معاون آموزشی - بانه

«جشن سبز اهدای اسباب‌بازی در آموزشگاه غیردولتی فرهنگ بانه»

۱۸ علیرضا توحیدی؛ آموزگار - اصفهان «طرح پرورش کرم ابریشم با مشارکت دانش‌آموزان ۴

مدرسه شهرستان آران و بیدگل» ۱۹ رقیه زراعتی ایده‌لو؛ آموزگار - تهران

«روش آموزشی CCC»

۱ فاطمه وحدانی؛ آموزگار - استان مازندران، شهر تنکابن

«تأثیر آموزش برنامه انضباط مثبت بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»

۱ خیران بهروز، سودابه فتحی، امیرحسین فتحی؛ دانشجو - استان مازندران، شهر قائم‌شهر

«بررسی تأثیر فناوری بر رشد و توسعه‌ی دانش‌آموزان در آموزش ریاضی»

۱ فاطمه عسگری؛ آموزگار - استان زنجان، شهرستان ابهر

«جملات ناب درباره برنامه تعالی، فنون ایجاد علاقه و انگیزش در یادگیرندگان»

۱ سامان دری‌کوند، میلاد دری‌کوند؛ دانشجو - استان لرستان، شهر خرم‌آباد

«تحلیل محتوای کتاب فارسی خوانداری پایه دوم ابتدایی براساس تکنیک ویلیام رومی، سطح خوانایی گانینگ و مفهوم بهداشت»

۱ رضا مالمیر؛ آموزگار - همدان «خاطره معلم سال اولی در سال تحصیلی ۹۵-۹۶»

۱ فاطمه سیاه پشت خاچکی؛ آموزگار - استان مازندران، شهر نوشهر

«چگونه توانستم با یادگیری مشارکتی و داستان، علاوه بر کاهش اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای، سازگاری بین

دانش‌آموزان کلاس سوم دبستان شاهد در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ را بهبود بخشم؟»

۱ نرجس ناصحی؛ آموزگار - مشهد خاطره «بهترین دوست»، «سقای کلاس من»

۱ علی رحمانی؛ آموزگار - استان کهگیلویه و بویراحمد، شهر گچساران

«نوآوری در مدیریت زمان برای کلاس‌های چند پایه با اجرای طرح همیار معلم: گزارش اقدام‌پژوهی»

۱ اسماعیل قراباغی؛ آموزگار - قم «خاطره»

۱۵ محمدرضا احمدی؛ راهبر آموزشی - استان مازندران، شهر ساری

«ماجرای یک تدریس، اما این بار، تدریس چند پایه» ۱۱ الهه میرحسینی؛ آموزگار - یزد



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوآموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نو جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پرهیز** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد جوان/نفس** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاوره ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۷.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماه‌نامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماه‌نامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
 ۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید. از آنجا که مطالب هر شماره از ماه‌نامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماه‌نامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماه‌نامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

نظرسنجی رشد آموزش ابتدایی

مخاطب گرامی، در نظر داریم در نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب و موضوعات مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تغییراتی ایجاد کنیم. این مجله برای شما تهیه می‌شود و این شما هستید که باید به ما بگویید چگونه مجله‌ای می‌خواهید. پاسخ‌های دقیق شما به سؤال‌های زیر به ما کمک می‌کند از تلاش خود بهره‌ی بهتری نصیب جامعه‌ی معلمان ابتدایی کنیم. به ما کمک کنید بدانیم شما چه انتظاری از مجله‌ی مخصوص خودتان دارید. شرکت در این نظرسنجی وقت کوتاهی از شما خواهد گرفت، اما می‌تواند راهنمای ما برای ادامه‌ی راهی طولانی و درست‌تر باشد. متن پرسش‌نامه در سایت مجلات رشد به نشانی زیر موجود است:

<http://www.roshdmag.ir>

می‌توانید به‌طور مستقیم به لینک زیر نیز مراجعه فرمایید:

<http://www.roshdmag.ir/fa/nazarsanjibtedaiee>

برای استفاده از نسخه‌ی تلفن همراه پرسش‌نامه، بارکد مقابل را اسکن کنید.



در وبگاه اختصاصی ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی می‌توانید به فایل‌های صوتی و تصویری و همچنین بعضی از مطالب بیشتر دسترسی داشته باشید یا شماره‌های قبلی ماهنامه را دانلود کنید و حتی می‌توانید مقالات و گزارشی از فعالیت‌های خود را از صفحه‌ی مخصوصی که در اختیار شماست آپلود کنید.

<http://www.eb.roshdmag.ir>



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و نشریات آموزشی

اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

رشد برای شما

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۲۳۳۳ ۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

.....

- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد:
- ♦ میزان تحصیلات:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- ♦ استان:
- ♦ شهرستان:
- ♦ خیابان:
- ♦ پلاک:
- ♦ شماره پستی:
- ♦ شماره فیش بانکی:
- ♦ مبلغ پرداختی:
- ♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۸۸۸۶۷۳۰۸-۲۱

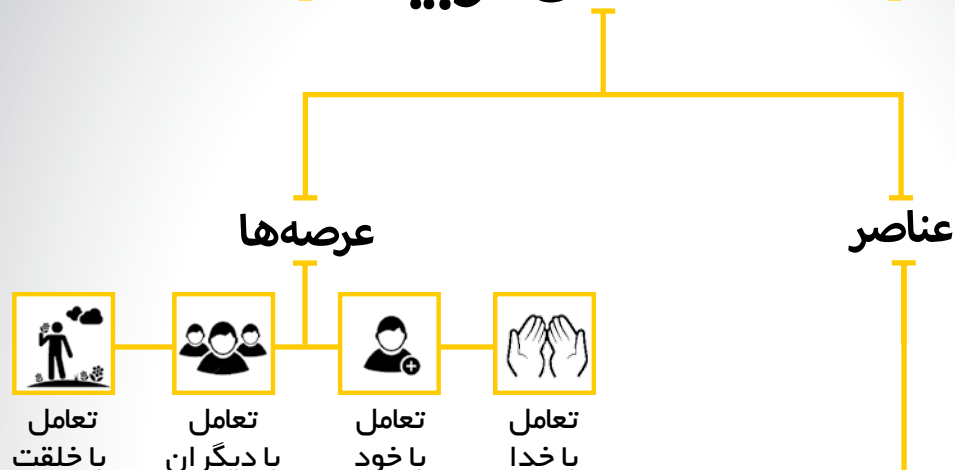
♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

- ♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

الگوی هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی

در هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های شش‌گانه‌ی تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است. این موضوع در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای در تدوین اهداف سطوح گوناگون، راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان خواهد بود.

ساحت‌های تربیت



رشد
آموزشی
ابتدایی

هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی

تربیت یکپارچه‌ی عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان، به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند. انتظار می‌رود دانش‌آموزان طی دوره‌ی تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. این شایستگی‌ها بیان تفصیل یافته‌ای از هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی است.



راشده عکس

موضوع

«مدرسه، خانه دوم»

- فضای مدرسه
- (معماری، کتابخانه، بوفه، نمازخانه، حیاط، آب‌خوری، آزمایشگاه، اتاق بهداشت، گرافیک محیطی، دفتر معلمان، کلاس درس و ...)
- انواع مدارس
- (هوشمند، ماندگار، چند پایه، روستایی، عشایری و شهری)
- برنامه‌های مدرسه
- (صبح‌گاه، پرچم، کتاب‌خوانی، زنگ تفریح، جشن‌ها، مناسبت‌های مذهبی، راهپیمایی، آغاز سال تحصیلی، نمایشگاه‌ها، آموزش در کلاس، دوستی‌ها و قهرها، فعالیت‌های یاددهی و یادگیری، شورای دانش‌آموزی، شورای معلمان، جلسات اولیا و مربیان و ...)
- برنامه‌های جنبی
- (سرویس مدارس، در راه مدرسه، گردش علمی، اردو، نماز و ...)

بخش «ویژه»

- پوشش‌ها و بازیهای محلی (به ویژه استان‌های مرزی)
- شعار سال: (اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال)
- پرسش مهر سال: (چگونه باید در محیط مدرسه تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب را تمرین کنیم؟)

بخش دانش‌آموزی با موضوع «آزاد»

- این بخش با «موضوع آزاد» به دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله تعلق دارد.

گاه‌شمار

- آخرین مهلت ارسال آثار: ۳۱ تیرماه ۱۳۹۷
- انتخاب و داوری آثار: مردادماه ۱۳۹۷
- افتتاح نمایشگاه و اهدای جوایز: مهرماه ۱۳۹۷

امتیازها

- عکس‌های برگزیده به صورت نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت.
- به هر یک از آثار راه‌یافته به نمایشگاه، حق التالیف پرداخت خواهد شد.
- برای عکاسانی که آثارشان به نمایشگاه راه یابد، گواهی شرکت در نمایشگاه صادر می‌شود.



مقررات جشنواره

- ۱ شرکت همه عکاسان در این جشنواره، آزاد است.
- ۲ آثار ارسالی فقط به صورت «تک عکس» پذیرفته می‌شود و هر عکاس می‌تواند با ارسال ۵ عکس در هر یک از موضوع‌ها (جمعاً ۱۰ عکس) در جشنواره شرکت کند.
- ۳ دانش‌آموزان می‌توانند حداکثر ۷ عکس با موضوع آزاد ارسال کنند.
- ۴ آثار باید با حجم کمتر از ۴۰۰ کیلوبایت بر روی وبگاه جشنواره به نشانی: www.roshdmag.ir بارگذاری شوند.
- ۵ در صورت راه یابی عکس به نمایشگاه، ارسال عکس با اندازه اصلی ضروری است.
- ۶ ضروری است هر عکاس نام، نام خانوادگی، شماره تماس، نشانی محل سکونت، کد ملی، پست الکترونیکی، عنوان عکس، محل و تاریخ عکاسی هر عکس را به طور کامل مطابق با برگه فراخوان تکمیل و به همراه آثار ارسال کند.
- ۷ اصلاح رنگ، کنتراست، تیرگی و روشنی، کراپ در عکس‌ها در حدی که اصالت عکس را تغییر ندهد، قابل قبول است.
- ۸ ارسال اثر توسط عکاس و شرکت در جشنواره، به منزله اعلام مالکیت معنوی عکس‌هاست. در صورت اثبات خلاف این امر در هر مرحله‌ای، عواقب حقوقی و جزایی آن به عهده شرکت‌کننده است.
- ۹ از عکس‌های راه‌یافته به جشنواره، با ذکر نام عکاس در نشریات رشد، وابسته به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی استفاده خواهد شد.

جوایز برگزیدگان

مدرسه؛ خانه دوم

- نفر اول: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و جایزه نقدی؛
- نفر دوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی؛
- نفر سوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

بخش ویژه

- نفر اول: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و جایزه نقدی؛
- نفر دوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی؛
- نفر سوم: لوح تقدیر و جایزه نقدی.

بخش دانش‌آموزی

- در این بخش به ۵ نفر جایزه نقدی اهدا خواهد شد.

نشانی دبیرخانه جشنواره: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، طبقه دوم، دبیرخانه جشنواره عکس رشد. صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره (www.roshdmag.ir) مراجعه کنید یا با شماره تلفن‌های ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۴۹۰۴۱۴ تماس بگیرید.

پاسخگویی ثبت‌نام اینترنتی: ۸۸۴۹۰۱۰۸

پست الکترونیکی جشنواره: aksroshd10@roshdmag.ir